

پناهندگان ایرانی



بولتن

در خطر

تابستان ۹۸، دوره ۴

«پناهگاه ناامن»:

وضعیت پناهندگان ایرانی در کردستان عراق (بخش سوم)

وسیعاً مین گذاری شده اند ادامه یافته است. رفتار خصمانه‌ی ترکیه با پناهندگانی که از این منطقه فراری می‌شوند البته به قبل از تشکیل "پناهگاه امن" بر می‌گردد. ۱. مقامات ترکیه، مدتی کوتاه پس از تشکیل منطقه‌ی خودمختار کردها در سال ۱۹۹۱، شمال عراق را منطقه‌ای امن و پناهنده شدن از آنجا به مناطق دیگر را نمونه اعلام نمودند. ۲. از آن پس این مقامات برای جلوگیری از ورود پناهندگان از شمال عراق به ترکیه به هر وسیله‌ی ممکنه متوسل شده‌اند. بسیاری از پناهندگان بلافاصله از مرزها اخراج شده و آنها که توانسته‌اند از مرزها بگذرند اغلب مورد بدرفتاری قرار گرفته و با انبوهی از موانع اداری و آئین‌نامه‌ای مواجه شده‌اند که در بسیاری موارد باز هم منجر به اخراج آنها شده است.

دفعه ترکیه‌ی کمیساریای عالی نیز با سیاست‌هایی که اتخاذ کرده امنیت پناهجویان ایرانی را که از شمال عراق به ترکیه فرار می‌کنند بیشتر به خطر انداخته است.

در بخش‌های اول و دوم این گزارش شرایط مخاطره‌آمیز پناهندگان کرد ایرانی در شمال عراق و کمبود تسهیلات فراهم آمده به وسیله‌ی سازمان کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان [از این پس "کمیسیاریای عالی"] توصیف گردید. در بخش سوم رفتار غیر عادلانه و غیرمجازی را که پناهندگان ایرانی بعد از فرار از شمال عراق با آن مواجه می‌شوند بررسی می‌کنیم.

۴ - ترکیه، تلاش برای امنیت ادامه دارد

از زمان تشکیل "پناهگاه امن" در شمال عراق، هزاران پناهنده‌ی ایرانی که در آنجا ساکن بوده‌اند بخاطر شرایط در واقع بسیار ناامن از آنجا گریخته و وارد ترکیه شده‌اند. این موج مهاجرت علی‌رغم مخاطرات عبور از مرزهای میان ترکیه و عراق که از لحاظ امنیتی شدیداً کنترل می‌شوند و

در صفحات دیگر:

گزارش مالی سال ۱۹۹۷..... ۱۵

Iranian Refugees' Alliance Inc.
Cooper Station POBox 316
NY NY 10276-0316
Phone/Fax: 212 260 7460
email: irainc@irainc.org
URL: <http://www.irainc.org>



بخشی که تصمیم اولیه را گرفته رجوع داده می‌شود. در طی هیچ یک از این مراحل، پناهجویان هیچ امکانی برای گرفتن کمک حقوقی یا وکیل قانونی در اختیار ندارند.^۷

قوانین پناهندگی ۱۹۹۴

کشور سومی اسکان باید اخراج خواهد شد.^۵

اجرای خودسرانه مقررات به وسیله پلیس مرزی

مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق را، که معمولاً بدون پاسپورت هستند، موظف می‌نماید خود را به پاسگاه پلیس در شرنخ برای مصاحبه معرفی کنند. پناهجویان موظفند تا زمانی که وزارت کشور طبق مقررات پناهندگی درخواست‌شان را برای دریافت موقعیت "پناهجو" ارزیابی کند، در روستای سلوی، که در استان شرنخ و نزدیک مرز عراق قرار دارد، سکونت گزینند. اگر درخواست آنها قبول شود به آنها اجازه اقامت موقت داده می‌شود تا برای اسکان در کشور سومی اقدام کنند. در این زمان به آنها دستور داده می‌شود که به شهرهای دیگر منتقل شوند.

شرنخ یکی از استان‌های جنوب شرقی ترکیه است که به اقتصادی سیزده سال جنگ میان نیروهای امنیتی و اعضای مسلح حزب کارگران کردستان، تحت حکومت شرایط اضطراری قرار دارد. شرایط اضطراری به نیروهای امنیتی و فرمانداران محلی اختیارات وسیعی داده است تا به بهانه‌ی "تهدیدات امنیتی" اعمال ناقص حقوق بشر خود را مشروعیت ببخشند. سازمان عفو بین‌الملل گزارش کرده است که شهروندان ترک کماکان می‌توانند بطور ناگهانی در خیابان‌ها دستگیر و به پاسگاه پلیس برده شوند و حتی تا یک ماه در بازداشت بمانند. در آنجا، آنها بخاطر نبودن هیچ گونه ممنوعیتی در مورد شکنجه و متداول بودن آن بعنوان یک شیوه‌ی بازجویی، در معرض شکنجه قرار می‌گیرند. این سازمان همچنین گزارش کرده است که محاکمه و مجازات مأمورین پلیس در جنوب شرقی ترکیه بخاطر نقض حقوق بشر تقریباً امری نادر است.^۸ افراد مستقل از دولت نیز به دشواری می‌توانند درباره‌ی <

مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ مشکلات و موانع هولناکی برای کلیه پناهجویان ایرانی که از مرزهای مختلف وارد ترکیه می‌شوند ایجاد کرده است. بسیاری از آنها به دلیل عدم ثبت درخواست پناهندگی در عرض پنج روز اول ورودشان به ترکیه، یا به خاطر نداشتن مدارک شناسایی و یا استفاده از مدارک جعلی، بلافاصله پس از ورودشان اخراج شده‌اند. به زعم کمیساری عالی تقریباً نیمی از ۱۳۳ نفر ایرانی‌ای که در سال‌های ۱۹۹۵/۱۹۹۶ بالاچاره به ایران بازگردانده شده‌اند، قبلاً از سوی این سازمان بعنوان پناهنده برسمیت شناخته شده بودند و بقیه هنوز پرونده‌هایشان تحت بررسی بوده است. این اعتقاد وجود دارد که تعداد بسیار بیشتری لب مرزها، یا در مسیر مراجعه از مرزها به دفتر کمیساری عالی، دستگیر و اخراج شده‌اند و در نتیجه هیچ ردی مبنی بر پناهجویی‌شان در ترکیه از خود باقی نگذاشته‌اند.^۶

انتقاد به مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ فقط به محدودیت پنج روزه‌ای که برای ثبت درخواست پناهندگی در مکانهای معین شده و با سختگیری شدیدی اجرا می‌شود ختم نمی‌شود. منقدین بسیاری، از جمله نهادهای شناخته شده دفاع از حقوق پناهندگی و حقوق بشر و همچنین محققین ترک، این مقررات را از جنبه‌های اساسی دیگری نیز مورد انتقاد قرار داده‌اند. به عنوان مثال جای تردید نیست که مأمورین پلیس فاقد تجربه و آموزش لازم برای تحویل گرفتن پناهندگان و درج درخواست پناهندگی آنها هستند. تصمیم نهایی در مورد درخواست‌های پناهندگی به وسیله افراد مستقل و متخصص اتخاذ نمی‌شود، بلکه به وسیله مأموران در وزارت کشور انجام می‌گیرد که به همان میزان فاقد صلاحیت می‌باشند. بررسی فرجام‌خواهی هم ناعادلانه است؛ چه اعتراض پناهجو به سادگی به همان

ترکیه یکی از آخرین کشورهایی است که صریحاً بین پناهندگان بر اساس ملیت تبعیض قائل می‌شود. ترکیه، بر اساس محدودیت جغرافیایی که برای میثاق ۱۹۵۱ پناهندگی سازمان ملل متحد قائل شده، از محسوب کردن ایرانیان و دیگر افراد غیر اروپایی بعنوان پناهنده خود را معاف کرده است. به پناهندگان غیراروپایی در ترکیه فقط "پناهندگی موقت" داده می‌شود؛ آنهم در صورتیکه به کشور سومی بروند. در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۴، دولت ترکیه دستورالعملی را تحت عنوان "مقررات در مورد آئین‌نامه و اصول مربوط به مهاجرت گروهی و ورود اتباع بیگانه به ترکیه که می‌خواهند بطور گروهی یا انفرادی به ترکیه پناهنده شوند، یا با هدف پناهجویی در یک کشور سوم می‌خواهند درخواست اجازه اقامت موقت در ترکیه کنند" [از این پس مقررات پناهندگی ۱۹۹۴] منتشر کرد.^۳

بر اساس این مقررات جدید پناهجویان غیراروپایی موظفند در ظرف پنج روز از ورودشان به ترکیه خود را به پلیس معرفی کنند. آنهایی که بدون پاسپورت سفر می‌کنند باید بلافاصله به اولین پاسگاه پلیس محلی که در آنجا وارد کشور شده‌اند خود را معرفی کنند. مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ به پلیس مرزی اختیار داده است با تازه‌واردین مصاحبه کند تا بر اساس آن "پناهجو" بودن آنها رسماً تعیین شود. به پناهجویانی که با موفقیت از این خوان می‌گذرند اجازه اقامت موقت داده می‌شود. ماده‌ی اول مقررات ۱۹۹۴، پناهجو را عیناً مثل میثاق و پروتکل پناهندگی سازمان ملل متحد، یعنی به عنوان فردی که از "تعقیب، آزار و سرکوب ترس موجه دارد"، تعریف کرده است.^۴ با این وجود، اگر فردی در ترکیه بعنوان "پناهجو" به رسمیت شناخته شود، در صورتیکه نتواند در طی زمان قابل قبولی در

► موارد نقض حقوق بشر تحقیق کنند، چه هرگونه رفت و آمدی در آن منطقه شدیداً تحت کنترل است. مقامات محلی می‌توانند بازدید کنندگان آن منطقه را به راحتی بیرون کنند. در عین حال، محققین و منتقدین سیاست‌های امنیتی دولت ترکیه در جنوب شرقی این کشور دشمنان بالقوه دولت محسوب می‌شوند.^۹

سلوپی، روستای مرزی‌ای که پناهجویان ایرانی باید در آن سکونت کنند، مکانی است تقریباً خالی از سکنه. در آنجا زندگی حتی برای مردم ترک هم دشوار و ناامن است. در ژانویه ۱۹۹۷ نماینده‌ای از نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی که به سلوپی سفر کرد از نزدیک شرایط وحشتناک زندگی پناهجویان را مشاهده نمود. آنها در خانه‌های گلی یک اتاقه، بدون حمام و دستشویی و آب لوله کشی و اغلب بدون برق زندگی می‌کردند. در بعضی از خانه‌ها مردم و حیوانات زیر یک سقف زندگی می‌کردند. غذا و باقی مایحتاج یا کم بودند و یا خیلی گران. هیچ نوع کمک تخصصی پزشکی برای مردم سلوپی وجود نداشت. کمیساری عالی به برخی از پناهجویان کمک‌های ناچیزی می‌کرد و به برخی اصلاً کمک نمی‌کرد، در حالیکه در سلوپی حتی برای مردم محلی هم کار بسیار کمیاب است. زمانی هم که پناهجویی کاری موقت یافته بود، به او اجرت به غایت ناچیزی داده بودند. برای مثال، به یک پناهجو برای خالی کردن ده تن بار از یک کامیون فقط ۱۰۰۰۰ لیر ترکیه (یک دلار آمریکا) داده بودند. پناهجویی دیگری می‌گفت که برای هشت روز کار ساختمانی فقط یک میلیون لیر (ده دلار آمریکا) گرفته بود.

شرایط جنگی منطقه، سختی و مشقت زندگی

پناهجویان ایرانی در سلوپی را دو چندان کرده است. ساکنین سلوپی هم، مثل دیگر مناطق جنوب شرقی ترکیه که تحت حکومت اضطراری قرار دارد، دائماً تحت کنترل خشن و بی‌رحمانه‌ی نیروهای نظامی هستند. همگی پناهجویان شدیداً واهمه داشتند که پلیس بی‌دلیل آنها را به همکاری با چریک‌های حزب کارگران متهم کند. "گارد‌های روستائی" (نیروهای شبه نظامی متشکل از کردهای محلی که مورد حمایت دولت هستند) به بهانه جستجو و یافتن چریک‌ها، بدون مجوز به خانه‌های پناهجویان هجوم می‌آوردند، و همچنین اماکن آنها را بصورت پایگاه‌های عملیاتی موقت اشغال می‌کردند.

تحت چنین شرایطی، بدیهی است که پناهجویان هنگام مصاحبه‌های پناهندگی‌شان با پلیس با مشکلات جدی

مواجه شوند. پناهجویان شدیداً از این واهمه داشتند که با افشای فعالیت‌های سیاسی‌شان در رابطه با مثلاً دفاع از حق اقلیت ملی کُرد در ایران، بلافاصله از سوی پلیس متهم به همکاری با سازمانهای کُرد مورد سرکوب دولت ترکیه گردند و به بهانه مسائل امنیتی دپورت شوند.

در حالی که ظاهر قسیمی این است که مصاحبه‌های پلیس برای دریافتن دلیل پناهندگی صورت می‌گیرد، بسیاری از پناهجویان اظهار می‌داشتند که بیشتر سوال‌های پلیس در این مصاحبه‌ها برای کشف راه‌های فرار پناهجویان از مرزها است. پناهجویی می‌گفت وقتی کمیسر پلیسی که از او مصاحبه می‌کرد از جوابهایش خوش نیامد تهدید کرد



آرمان با دستی مضروب. کمیسر پلیس مسئول خارجیان در شرنخ آرمان را از زمین بلند کرده و به دیوار می‌کوبد تنها به این دلیل که برای پیگیری پرونده‌اش مراجعه کرده بود. ژانویه ۱۹۹۷

که بچه‌هایش را در دستشویی پاسگاه پلیس زندانی خواهد کرد. دیگران می‌گفتند که آنها را تهدید به دپورت به ایران کرده‌اند. مصاحبه‌ها بدون حضور مترجم کاردان صورت می‌گیرند و به این دلیل پناهجویان در هر حال نمی‌توانند مطالب پرونده‌ی پناهجویی‌شان را درست و کامل ارائه دهند. در شرنخ، ایرانیان مجبور بودند از آبدارچی پاسگاه پلیس که گردی صحبت می‌کرد کمک بخواهند. اما از آنجا که او گردی را با لهجه‌ی متفاوتی صحبت می‌کرد مشکلات محاوره‌ای همچنان لاینحل باقی می‌ماند.

نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی زن یا مرد پناهجویی را در سلوپی ندید که به وسیله کمیسر پلیس مسئول خارجی‌ها مکرراً مورد ضرب و شتم و آزار قرار نگرفته باشد. آثار ضرب و شتم روی بدن بعضی از پناهجویان قابل

رویت بود. پناهجویان بخاطر نبودن هیچ نوع حمایتی از سوی کمیساری عالی و خطر دپورت که دائماً تهدیدشان می‌کرد نمی‌توانستند قانوناً علیه پلیس شکایت کنند. متأسفانه، با وجود این سکوت هم، همچنان نمی‌توانستند تصمیمی علیه دپورت بدست آورند. بخاطر نبودن هیچ نوع فرجام‌خواهی واقعی و یا نظارتی بر این مصاحبه‌ها، پلیس مرتباً بطور خودسرانه از ثبت نام پناهجویانی که مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ را تمام و کمال رعایت کرده بودند خودداری می‌کرد.

عملکردهای متداول پلیس در شرنخ به وضوح ناقص اصل «عدم-اخراج» (non-refoulement) است.

میثاق پناهندگی ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد اخراج افراد را به کشوری که در آنجا با خطر نقض حقوق بشر مواجه هستند ممنوع ساخته است (اصل بنیادی عدم-اخراج). در نشست ۲۸ کمیته‌ی اجرایی کمیساری عالی، که ترکیه نیز یکی از اعضای رسمی آن است، تأکید شده است که در رابطه با این اصل بنیادی هیچ قید و شرطی مجاز نیست. همچنین صریحاً اعلام شده است که این اصل نه فقط شامل کشور زادگاه افراد، بلکه شامل هر کشوری است که در آن دلیلی برای ترس از تعقیب، آزار و سرکوب وجود دارد. به علاوه در شرایطی که دادن درخواست پناهندگی تنها راه جلوگیری از اخراج غیرقانونی پناهنده است، هرگونه ممانعت از حق استفاده از این امکان تخلف از اصل عدم-اخراج محسوب می‌شود.

با در نظر گرفتن همه این مخاطرات است که تا قبل از سال ۱۹۹۶ ایرانیانی که از شمال

عراق وارد ترکیه می‌شدند تا آنجا که در توان داشتند از مواجهه با پلیس سلوپی/شرنخ خودداری می‌کردند و از هر امکانی برای رساندن مستقیم خود به دفتر کمیساری عالی در آنکارا استفاده می‌نمودند. این اقدام در واقع تنها امید آنها برای گرفتن کمک از کمیساری عالی و اسکان در کشوری سوم بود. هر چند که بخاطر نقض مقررات، کمکان در صورت دستگیری بعنوان "غیرقانونی" با خطر اخراج فوری مواجه بودند. با این حال، اینکه کمیساری عالی در آن دوره قبول می‌کرد پرونده‌ی آنها را پیگیری کند و اقدامات لازم را برای اسکان آنها در کشور سوم انجام دهد به آنها امکان می‌داد که بالاخره به امنیت دست یابند. در حالیکه با ماندن در سلوپی/شرنخ به یقین بسیار دپورت می‌شدند. ◀



فرزندان پناهجویان «غیرقانونی» که روزها را از ترس دستگیری و دپورت در داخل خانه و با امکانات حداقل می گذرانند. دسامبر ۱۹۹۶

بیشتر پناهجویانی که در سالها ۱۹۹۵/۱۹۹۶ بدین ترتیب از ثبت نام در مرزها خودداری ورزیدند، موفق شدند خود را در شهرهای اطراف آنکارا مخفی کنند تا این که کمیساریای عالی پرونده آنها را مورد بررسی قرار دهد. ولی بدبختانه وقتی که زمان خروج آنها از ترکیه بسوی کشورهای سوم رسید، مقامات ترکیه از صدور اجازه خروج برای آنها مانعت کرده، می گفتند که چون نزد پلیس ثبت نام نکرده اند «غیرقانونی» بحساب می آیند و باید دپورت شوند. بنا بر آماري که بدست سازمان عفو بین المللی رسیده است در فاصله‌ی اول ژانویه تا ۳۰ آوریل ۱۹۹۷، حداقل ۱۰۶ ایرانی، که از سوی کمیساریای عالی به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شده بودند و بعضاً از سوی کشورهای سوم هم پذیرفته شده بودند، دستگیر و به عراق دپورت شدند.

تنبیه این پناهجویان تخلف آشکار از میثاق پناهندگی ۱۹۵۱ ملل متحد بود. این دپورت ها ناقض اصل عدم اخراج بودند، چرا که پناهجویان به مکانی ناامن باز گردانده می شدند. [به بخش های اول و دوم رجوع شود]. میثاق مربوطه همچنین، تنبیه پناهجو را به دلیل غیرقانونی بودنش، ممنوع کرده و ضروری دانسته است که تک تک درخواست های پناهندگی بدون هیچ قید و شرطی بررسی شوند. به علاوه، انعقاد شماره ۱۵ کمیته‌ی اجرایی کمیساریای عالی اعلام می دارد که «گرچه ممکن است برای ارائه تقاضای پناهندگی محدوده زمانی معینی مشخص شده باشد، ولی عدم رعایت آن، یا هر قید و شرط رسمی دیگری که منظور شده است، نباید هیچ پناهجویی را

با این وجود، اگرچه دولت ترکیه مصمم بود که به حضور «غیرقانونی‌ها» در این کشور پایان بخشد، اما تمایلی نداشت که شرایط غیرمجازی را که در شترناخ وجود داشت و علت اصلی عدم پیروی پناهجویان از مقررات پناهندگی و عدم ثبت نام نزد پلیس بود، اصلاح نماید. در نتیجه‌ی این برخورد، کمیساریای عالی که بر سر دوراهی قرار گرفته بود، متأسفانه راه تسلیم به دولت را انتخاب نمود. کمیساریای عالی بدون گرفتن هیچ تصمیمی از دولت که پناهجویان به وسیله‌ی پلیس مرزی دپورت نخواهند شد، با دولت هم صدا شد و در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۶ اعلام کرد که از آن پس در آنکارا با پناهجویانی که از شمال عراق آمده‌اند مصاحبه نخواهد کرد و هر کمکی به این پناهجویان مشروط به بازگشت آنان به سلوی/ شترناخ و ثبت نام نزد پلیس خواهد بود. هر چند برخی از پناهجویان در مقابل این دستور مقاومت کرده و اصرار به مصاحبه در آنکارا نمودند، اما در رویارویی با موضع محکم کمیساریای عالی بیشتر آنها دریافتند که راهی به جز بازگشت به مرز ندارند. همان طور

که قابل پیش بینی هم بود متأسفانه بسیاری از آنها به محض بازگشت به شترناخ فوراً دپورت گردیدند. آمار رسمی از تعداد دپورت‌هایی که به شمال عراق صورت گرفته است متأسفانه در دست نیست. با این حال در زمستان ۱۹۹۷، وقتی نمایندگان همبستگی با پناهندگان ایرانی در ترکیه بودند گزارش‌هایی که بدست آنها می رسید حاکی از این بود که مثلاً در عرض یک روز تعداد ۲۳ نفر به شمال عراق دپورت شده‌اند. چندین پناهجو که در ژانویه ۱۹۹۷ در سلوی با این نهاد مصاحبه کردند قبلاً در تابستان یا پاییز ۱۹۹۷ یک بار دپورت شده بودند. پناهجویان همچنین لیستی از ۷۸ نفر را که در دسامبر ۱۹۹۶ دپورت شده بودند به نهاد همبستگی ارائه دادند.

دفتر کمیساریای عالی در سلوی مصاحبه با پناهندگان را در تابستان ۱۹۹۶ آغاز کرد. پناهجویان تازه وارد، به این امید که این دفتر به آنها کمک کرده و از دپورت فوریشان جلوگیری می کند، بی درنگ به آن مراجعه می کردند، بی خبر از آنکه برخوردی تند و پس زنده در انتظارشان است. کلیه پناهجویانی که با نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی ملاقات داشتند از مأمور محلی کمیساریای عالی شکایت می کردند. آنها می گفتند: «اگر پلیس با بدرفتاری هایش حرمتی برانمان باقی بگذارد، آنرا هم باید نزد این مأمور از دست دهیم.» برای مثال بعضی از پناهجویان می گفتند که در همان برخورد اول مأمور کمیساریا آنها را برای آمدن به ترکیه سرزنش کرده و بدون هیچ شناختی به آنها انگ مهاجر اقتصادی زده است. به بعضی از آنها گفته شده بود که «حتی ظاهرشان نیز به

از امکان بررسی درخواست پناهندگی اش محروم کند.» به عبارت دیگر اگر دولتی می خواهد برای ارائه درخواست پناهندگی محدودیت زمانی مشخص کند، معیارهای بین المللی حاکم بر رفتار با پناهندگان اقتضاء می کند که این محدودیت را نباید با چنان سختگیری اعمال کرد که کسی صرفاً بخاطر اینکه نتوانسته در زمان مشخص شده اقدام کند، از امکان بررسی درخواست پناهندگی اش محروم شود.

پاسخ کمیساریای عالی، مُلاّیم با حکومت، مُحکم با پناهندگان

تا تابستان ۱۹۹۶ صدها پناهنده «غیرقانونی»، بخاطر عدم ثبت درخواست پناهندگی شان نزد پلیس محلی شترناخ، در داخل ترکیه محبوس مانده بودند. مقامات ترکیه، کمیساریای عالی و کشورهای اسکان دهنده را برای این که پرونده‌ی «غیرقانونی‌ها» را بررسی می کنند به شدت مورد انتقاد قرار می داد. کشورهای اسکان دهنده نیز از شمار فزاینده ویزاها و بلیط‌های هوایما - که به دلیل خودداری مقامات ترکیه از دادن اجازه خروج به پناهندگان باطل می شدند - به تنگ آمده بودند. به علاوه منابع مالی کمیساریای عالی نیز بخاطر طولانی شدن کمک مالی به پناهندگانی که قاعدتاً می بایست تا آن زمان در کشور سومی اسکان یافته باشند بیشتر و بیشتر تضعیف می گردید.

► پناهنده سیاسی شباهتی ندارد.» زمانی هم که پناهجویان به این رفتارها اعتراض کرده بودند، مأمور مربوطه مثل پلیس آنها را به دپورت تهدید کرده بود. مأمور کمیساریا طی مصاحبه با پناهجویان آنها را تحت بازرسی بدنی قرار می داد. برخی از آنها را حتی وادار به کندن کفش هایشان کرده بود تا شاید بتواند در آنها اشیاء با ارزشی پیدا کند و به این بهانه پناهجو را از دریافت کمک مالی کمیساریای عالی محروم کند. اینطور که معلوم شده بود مثلاً کشف یک بسته سیگار مارک آمریکایی می توانست به محرومیت پناهجو از دریافت کمک مالی بیانجامد. کمک مالی نیز اگر به پناهجویی تعلق می گرفت منوط به بررسی پرونده و اعلام نتیجه مثبت درباره ی آن می بود، که این خود بطور میانگین شش ماه طول می کشید. در طی این دوره بعضی خانواده ها از کمیساریای عالی دو سه پتو و یک بخاری گازی دریافت می کردند. برای بسیاری از آنها پتوها کافی نبود و چون

هزینه ی روشن کردن بخاری گازی بسیار گران بود، آن هم بی استفاده می ماند. نواقص موجود در مراحل تکمیل و بررسی پرونده ها از سوی کمیساریای عالی، کمک مالی به آنها و همچنین انتقالشان را به شهرهای مرکزی ترکیه به تاخیر می انداخت. بسیاری از پناهجویان مصاحبه ی مجدد گرفته بودند، زیرا مصاحبه ی اول آنان بدون کمک یک مترجم کاردان و به وسیله مأمور محلی، که تجربه ای در مسائل حقوقی ی پناهنده گی نداشت، انجام گرفته بود.

بدتر از همه، بی تفاوتی کمیساریای عالی به مسئله ی بدرفتاری پلیس و دپورت غیرقانونی پناهجویان بود. در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۷، نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی با پنج پناهجو در

سلویبی ملاقات کرد که مدت بیست روز بخاطر ترس از دپورت شدن در کوه های اطراف روستا مخفی شده بودند. در روز ورودشان به ترکیه، پلیس مدارک شناسائی و نامه های ثبت نامشان در کمیساریای عالی را از آنها گرفته بود ولی بی دلیل از ثبت نامشان امتناع می ورزید. پس از یک هفته آنها متوجه شدند که پلیس درصدد دستگیری و دپورتشان است. از یک مأمور کمیساریای عالی، که موقتاً از آنکارا به سلویبی آمده بود، خواستند که از طرف آنها به پلیس مراجعه کند. اما وقتی پلیس به این مأمور گفت که هیچ مدرکی دال بر اقدام این افراد برای ثبت نام در پاسگاه پلیس وجود ندارد، او به پناهجویان گفت که کاری از دست کمیساریا بر نمی آید و تنها چاره آنها این است که خودشان راه حلی بیابند. بالاخره دو نفر از پناهجویان

مخفیانه به آنکارا سفر کردند ولی متأسفانه بقیه توسط پلیس دستگیر و دپورت شدند.

موضعگیری رسمی کمیساریا نیز چیزی جز سکوت نبود. رفتارهای سیستماتیک و غیرمجاز پلیس از سوی کمیساریا نه هیچگاه گزارش شدند و نه محکوم گردیدند. زمانی که نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی از یکی از کارمندان آرشد حقوقی دفتر کمیساریای عالی در آنکارا که می گفت «از آنچه در سلویبی اتفاق می افتاد به تنگ آمده» پرسید چرا در نشست اخیر کمیته ی اجرائی کمیساریای عالی در اکتبر ۱۹۹۶ دولت ترکیه مورد انتقاد قرار نگرفته است. این کارمند گفت که او نیز به خاطر این قصور متأسف شده است.

علی رغم چنین نارضایتی های داخلی ای، کمیساریای عالی نه فقط از انجام وظیفه اش در رابطه با محکوم کردن ترکیه بخاطر نقض جدی میثاق پناهنده گی ۱۹۵۱ ملل متحد



گروهی از پناهجویان سابقاً مقیم شمال عراق شرایطشان را در سلویبی بازگو می کنند. ژانویه ۱۹۹۷

باید جهت شناساندن مسئله و افشای ابعاد نسی آن، ارقام موجود را افشا نماید.

هجوم وسیع مقامات ترکیه برای اخراج غیر قانونی ها^{۱۱} به شمال عراق، کمیساریای عالی را بیش از پیش از اصول خویش منحرف ساخت. در مورد این واقعه، دفتر آنکارای کمیساریای عالی با انبوهی از انتقادات نسبت به برخورد بی تفاوتش مواجه شد. در پاسخ، این دفتر به یک تفسیر کاملاً انحرافی از اصل عدم - اخراج، که پایه ای ترین اصل حمایت از پناهنده است، متوسل شد. اصل عدم - اخراج به درستی بازگرداندن پناهنده به کشوری را که در آن دلیلی برای ترس از تعقیب، آزار و سرکوب وجود دارد ممنوع اعلام کرده است. ولی دفتر کمیساریا آنرا طوری ناصادقانه باز تفسیر کرده که گویا «این ممنوعیت فقط مربوط به کشور زادگاه پناهنده می شود و شامل اولین کشوری که پناهجو به آن پناهنده شده است نمی گردد.»^{۱۱}

در مجموع، بجز مدتی در ابتدای امر که کمیساریای عالی نسبت به وضعیت پناهندگان با حساسیت برخورد می نمود، تصمیم آن در تابستان ۱۹۹۶ مبنی بر مجبور کردن پناهجویان به بازگشت به مرزها، این سازمان جهانی مدافع پناهندگان را در سرآشوب لغزانی قرار داد که متأسفانه انتهای آن جز اختفای نقض سیستماتیک حقوق پناهنده گی از سوی دولت ترکیه و تطهیر و توجیه تجاوزات فاحش به حقوق جهانشمول پناهنده گی نبود.

البته رفتار سازشگرانه کمیساریای عالی در ترکیه امر تازه ای نیست. کمیساریای عالی مدت هاست دیپلماسی سکوت و برخورد تسلیم آمیز در مقابل دولت را بر انتقاد جدی و

آشکارا از آن ترجیح داده است. با این حال، در این مورد مشخص، سیاست های آینده ی خود کمیساریا در رابطه با پناهجویان شمال عراق هم بوضوح نقشی مهم داشته است. در حالی که دولت ترکیه آمال ضد پناهنده اش را شدیدتر و گسترده تر می نمود، کمیساریای عالی هم طرح جدیدی می ریخت تا کلاً همه ی پناهجویان سابقاً مقیم شمال عراق را از هر گونه کمکی از این سازمان در ترکیه محروم کند. در نتیجه، اگر هم کمیساریا در مورد دپورت ها به دولت انتقاد می کرد، این عملش وزن و ارزش چندانی نمی داشت. بزودی خود کمیساریا مستمسکی در اختیار دولت ترکیه خواهد گذارد تا با آن به همه اخراج های غیرمجاز پناهجویان به شمال عراق حقانیت بخشد.

فوتبال با پناهندگان

سرگذشت کریم و قادر

در دسامبر ۱۹۹۶، کریم و قادر هر یک پس از ورود به ترکیه از شمال عراق بلافاصله به دفتر کمیساریای عالی در سلوی/ شرناخ (در جنوب ترکیه) مراجعه کردند. این دفتر باید از آنها مصاحبه می کرد تا ببیند آیا آنها باید به عنوان پناهنده شناخته شوند و واجد شرایط کمک گیری از کمیساریای عالی هستند یا خیر. در پایان مصاحبه شان هردو بر گه ثبت نام در کمیساریا دریافت کردند و به آنها گفته شد که فوراً نزد پلیس ترکیه نیز ثبت نام کنند. مقررات پناهندگی ترکیه از پناهجویان می خواهد که در پنج روز نخست ورودشان خود را به نزدیکترین پاسگاه پلیس مرزی که از آنجا وارد کشور شده اند معرفی کرده و ثبت نام کنند. عدم انجام این کار موجب اخراج پناهجو می شود.

از آنجائی که قادر روز جمعه وارد ترکیه شده بود و برای مصاحبه با کمیساریای عالی يك روز معطل شده بود، نتوانست همان روز به اداره ی پلیس برود و مجبور شد تا روز دوشنبه صبر کند. دوشنبه که به پاسگاه پلیس شرناخ مراجعه کرد پلیس از ثبت درخواست او سر باز زد. آنروز وقتی يك گروه پناهجوی دیگر به پاسگاه پلیس وارد شدند پلیس خشمگین شد و قادر را به زور از آنجا بیرون کرد. روز بعد روز پنجم و آخرین روزی بود که قادر مجاز بود درخواست پناهجویی اش را ثبت کند تا از اخراج خودش جلوگیری کند. با این حال آن روز نیز، وقتی وارد پاسگاه پلیس شد او را با زور بیرون انداختند.

شب بعد پلیس قادر را در خانه ی محل اقامتش دستگیر کرد. او دو روز را در زندان در يك سلول کثیف و سرمای یخ بندان گذراند. پلیس از او عکس برداری و انگشت نگاری کرد. همچنین مدارك او را، از جمله شناسنامه و مدارك حزب سیاسی اش، مصادره کردند. درباره ی مشخصاتش از او سوال هایی شد و به او دستور دادند تمام جزئیات مربوط به چگونگی عبور از مرز را توضیح دهد. در طی بازجویی ها پلیس قادر را تهدید به اخراج و بازگشت به ایران می کرد و صورتش را مورد ضرب و جرح قرار می داد، طوری که از بینی و دهانش خون جاری گردید.

پس از دو روز بازداشت يك مأمور کمیساریای عالی از قادر بازدید کرد. او گفت نه برای قادر و نه بیست و دو پناهجوی دیگری که آتوقع مثل قادر بازداشت شده بودند هیچ کاری از دستش برنی آید. قادر و آن بیست و دو پناهجوی دیگر در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ به شمال عراق بازگردانده شدند. پلیس شناسنامه قادر را که قبلاً از او گرفته بود نزد خود نگاه داشت.

مصاحبه کریم با کمیساریای عالی کمتر طول کشید و در نتیجه او موفق شد همان روز خود را به پلیس شرناخ معرفی کند. کریم طبق مقررات از پلیس خواست که درخواست پناهجویی اش را ثبت کند. اما پلیس تا دو روز از ثبت نام او امتناع ورزید. روز سوم از او خواستند صد عدد پوشه بایگانی خریده و به ایستگاه پلیس ببرد. کریم دستور پلیس را اطاعت کرد. در آن زمان از او عکس گرفتند و سوالاتی درباره ی مشخصاتش پرسیدند. هیچ مترجمی در جریان این مصاحبه حضور نداشت. تصادفاً در آن روز يك پناهجوی ترکمن که از شمال عراق آمده بود و می توانست کردی صحبت کند در ایستگاه پلیس حضور داشت. او برای کریم ترجمه می کرد. پلیس در جریان مصاحبه هیچگاه از کریم نپرسید که به چه علت مجبور شده به ترکیه پناهنده شود. در آخر هم کریم را مجبور کردند که شناسنامه اش را، که تنها مدرک معتبر شناسایی ی بود که داشت، به پلیس تحویل دهد. به کریم گفته شد که يك هفته دیگر با آدرسی در سلوی برگردد.

دوشنبه ی بعد کریم، همانطور که به او دستور داده شده بود، به اداره پلیس بازگشت ولی پلیس به او گفت که باید باز هم منتظر بماند تا با او در آدرش در سلوی تماس بگیرند.

چند روز بعد کریم مصاحبه اش با کمیساریای عالی را تکمیل کرد. اول ژانویه ۱۹۹۷ وقتی که کریم و چهار پناهجوی دیگر برای پی جویی نتیجه ثبت نام و اجازه ی اقامت شان به پلیس مراجعه کردند بدون هیچ توضیحی بازداشت شدند. پلیس پس از انگشت نگاری، آنها را به شمال عراق دپورت کرد.

بدین ترتیب قادر و کریم قبل از دپورت شان، تمام مداركشان را که مهمترین شناسنامه بود از دست دادند. پلیس با این کارش در واقع اطمینان حاصل کرد که اگر قادر و کریم دوباره به ترکیه بازگردند بخاطر نداشتن مدرک شناسایی بازهم دپورت شوند. طبق دستور وزارت کشور اگر پناهجویی نتواند در عرض پانزده روز از ورودش به این کشور مدرک شناسایی معتبری ارائه کند دپورت می شود.

پس از بازگشت به شمال عراق، قادر و کریم و پناهجویان دیگری که دپورت شده بودند همگی به وسیله ی نیروهای امنیتی حزب دموکرات کردستان عراق بازداشت شدند. در زاخوقادر را در سلولی زندانی کردند که آب تاسی سانتیمتری آن می رسید. در طی دو روزی که آنجا بود قادر مجبور بود تمام مدت سر پابایستد. کریم را هم قبل از این که به دُهوک بگردند برای سه روز بازداشت کردند. تجربه مشترک تلخ در ترکیه و عدم امنیت بی پناه بودن در شمال عراق بالاخره قادر و کریم را در آریل به هم رساند.

قبل از این که آنها یکدیگر را ملاقات کنند هردو بطور جداگانه به دفاتر کمیساریای عالی ملل متحد در دُهوک و آریل مراجعه کرده بودند. اما کمیساریا به آنها گفت از آنجا که نزد کمیساریای ترکیه پرونده دارند باید به ترکیه بازگردند. امتناع کمیساریا از کمک به آنها و ترس از اینکه زندگی شان در عراق از سوی عوامل جمهوری اسلامی در خطر است باعث شد تا کریم و قادر برای بازگشت به ترکیه از دوستان و فامیل کمک مالی درخواست کنند. در این میان، آنان همزمان به خانه ی يك همکار سیاسی سابق که در نزدیکی دفتر سازمان ملل در آریل زندگی می کرد پناه بردند. یکبار از معهود مواردی که آنها خانه ی محل اختفایشان را ترک کردند متوجه شدند که به وسیله يك ماشین بدون پلاک که چهار سر نشین مسلح داشت تعقیب می شوند. آنها موفق شدند هر طور شده بگریزند.

چند هفته بعد، بارسیدن پول، کریم و قادر دوباره سفری دشوار و خطرناک برای بازگشت به ترکیه را آغاز کردند. یکی در بیست و يك و دیگری در بیست و چهار فوریه از مرز عبور کرد. جریان شدید آب رودخانه مرزی کفش های قادر را با خود برد و او مجبور شد چهار ساعت با پاهای برهنه در گل و برف راه برود.

این بار بعد از ورود به ترکیه، هیچکدام در پاسگاه پلیس شرناخ ثبت نام نکردند چون وحشت داشتند که برای دومین بار بدون هیچ حساب و کتابی اخراج گردند. گرچه این کار آنها برخلاف مقررات پناهندگی بود ولی به دلیل آنکه هیچیک مدرک شناسایی معتبری نداشتند، ثبت نام هم عملاً به دپورتشان می انجامید. در عوض مستقیماً به آنکارا رفتند و از کمیساریای عالی ملل متحد در آنجا تقاضای کمک کردند. کمیساریا دوباره با آنها مصاحبه کرد. مأموری که از کریم مصاحبه می کرد با توجه به رده ی بالای تشکیلاتی اش از او دعوت نمود که يك بار دیگر صرفاً برای دادن اطلاعات راجع به ساختار و روابط درونی کمیته تشکیلاتی اش به دفتر کمیساریا مراجعه نماید. با توجه به مخاطرات رفت و آمد برای کریم، او البته از انجام این دیدار سر باز زد.

سپس قادر و کریم در یکی از شهرهای ترکیه مخفی شدند با این امید که این بار کمیساریای عالی به آنها کمک می کند. اما سه ماه بعد قادر نامه ای از کمیساریای عالی با این مضمون دریافت کرد که کمیساریای عالی « قادر به کمک به شما در ترکیه نخواهد بود. تنها کمکی که ما می توانیم بکنیم این است که به کشوری که قبل از خروج از



رامیار، که تولد به موعش بعد از ورود والدینش به ترکیه، آنها را از تبدیل شدن به توپ فوتبال در دستهای کمیساریای عالی و دولت ترکیه نجات داد. ژوئن ۱۹۹۷

عالی همچنان اصرار ورزید که باید به شرنایخ برگردند.

پاسخ کمیساریای عالی برای عزیز و خانواده‌اش غیر قابل قبول و تبعیض آمیز بود. برای دو هفته در مقابل دفتر کمیساریای عالی ملل متحد تحصن کردند، لیکن کمیساریای عالی نسبت به وضعیت آنها بی تفاوت ماند. به دلیل تهدیدات پلیس ترکیه برای دستگیری و اخراج دست جمعی آنها به تحصن خانه دادند. به شهری نزدیک آنکارا نقل مکان کردند و با کمک ایرانیان دیگر و مخفی از پلیس در اتاقی ساکن شدند. بالاخره پس از هشت ماه کمیساریای عالی موافقت کرد که به کل خانواده کمک کند. در این ماه‌ها آنها خوش شانس بودند که به وسیله‌ی پلیس کشف و اخراج نگردیدند.

احمد و خانواده‌اش در فوریه ۱۹۹۵ بطور غیرقانونی از مرز ترکیه عبور کردند. آنها به دلیل وحشت از پلیس و بازگردانده شدن به عراق از ثبت نام نزد پلیس شرنایخ اجتناب نموده و مستقیماً به آنکارا رفتند. دو روز بعد احمد در دفتر آنکارای کمیساریای عالی ثبت نام کرد. برخلاف هم‌خانه‌ای سابقش، عزیز، احمد به وسیله‌ی کمیساریای عالی مصاحبه شد و از او خواسته نشد که حتماً به مرز بازگردد. اما خوش شانس احمد طولی نکشید چون چهار ماه بعد کمیساریای عالی به او گفت که هیچ کمکی بجز بازگرداندنش به شمال عراق به او نخواهد کرد.

احمد و خانواده‌اش همگی جزو "جابه‌جا شونده‌های بی‌قاعده" محسوب گردیدند. اگرچه سیاست جابه‌جائی بی‌قاعده بطور رسمی از سیزده فوریه ۱۹۹۷ اعلام گردیده بود (یک هفته پس از ثبت نام احمد در کمیساریای عالی). احمد هرگز دریافت چرا کمیساریای عالی تبعیض آمیز با او رفتار کرد. در نتیجه این تصمیم، احمد و خانواده‌اش ناچار به زندگی مخفی در شهری نزدیک آنکارا گردیدند.

چهار ماه بعد دختر احمد که در سوئد پناهنده است توانست از دولت سوئد برای آنها ویزای الحاق به خانواده بگیرد. متأسفانه چون هرگز نزد پلیس ثبت نام نکرده اند با مشکل خروج مواجه شده و در ترکیه محبوس مانده‌اند. برای خروج از کشور باید به پلیس مراجعه کنند ولی به دلیل وحشت از اخراج فوری به شمال عراق قادر به انجام این کار نیستند. هر چند که کشور سومی حاضر به پذیرش آنهاست. برخلاف استثنائاتی که خود کمیساریای عالی در زمینه الحاق خانواده در تعریف جابه‌جایی بی‌قاعده قائل شده است (به تعریف جابه‌جائی بی‌قاعده رجوع کنید) دفتر ترکیه‌ی این سازمان تاکنون تقاضای احمد را برای هر نوع کمکی رد کرده است. در نتیجه در صورت دستگیری توسط پلیس ترکیه همه آنها اخراج خواهند شد. ■

کشور اصلی در آنجا زندگی کرده بودید بازگردید. « چند ماه بعد کریم هم نامه‌ای مشابه دریافت کرد.

این تصمیمات بر اساس سیاست جدیدی که کمیساریای عالی از ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ به اجرا گذارده بود گرفته شدند. بر اساس این سیاست پناهندگان ایرانی سابقاً ساکن شمال عراق "جابه‌جا شوندگانی بی‌قاعده" قلمداد می‌شوند. در نتیجه این تصمیم، قادر و کریم از اواخر فوریه ۱۹۹۷ مجبور به زندگی مخفی در ترکیه شدند. در صورت دستگیری به وسیله‌ی پلیس ترکیه آنها فوراً دپورت خواهند شد. زیرا که نزد پلیس ثبت نام نکرده‌اند و کمیساریای عالی نیز آنها را در کشور سومی اسکان نخواهد داد.

سرگذشت احمد و عزیز

احمد و همسر و چهار فرزندش به همراه عزیز و همسر و دو فرزندشان، مادر بیوه‌اش و سه خواهر و برادر جوانتر از سال ۱۹۹۴ در خانه‌ای در شهر رانیه در سلیمانیه زندگی می‌کردند. آنها در اواسط دهه ۱۹۸۰ از ایران به شمال عراق پناهنده شده بودند و به ترتیب تا اواسط ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ فعالیت سیاسی داشتند.

دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در آرپیل هردوی این خانواده‌ها را به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شده بود. اما پرونده‌ی هیچکدام را برای اسکان مجدد به جریان نیاورده بود. در نتیجه، تنها کمکی که آنها دریافت می‌کردند یک جیره‌ی نانچیز روغن، شکر، آرد و عدس بود. گه‌گاه نیز کاری برای یک یا دو روز پیدا می‌کردند و در بازار سبزیجات می‌فروختند تا شاید برخی از مخارج زندگی‌شان تامین شود.

احمد و عزیز مدام از حضور وسیع عوامل حکومت ایران در شمال عراق احساس خطر می‌کردند و بارها نیز مورد حمله قرار گرفته بودند. یک بار در دسامبر ۱۹۹۴ در حدود ساعت هشت شب، احمد، عزیز و یکی دیگر از دوستانشان به وسیله‌ی چند مرد مسلح که به نظر می‌رسید از عوامل رژیم ایران بودند مورد تعقیب قرار گرفتند. آنها به خانه‌شان گریختند و در آنجا قفل کردند، اما حمله‌کنندگان با کلاشینکف به در شلیک کرده و عزیز را زخمی نمودند. عزیز و احمد جریان را به پلیس گزارش دادند. اما هیچ اقدامی از طرف پلیس انجام نگرفت. آنها علی‌رغم ترس و وحشتی که برای جان و زندگی‌شان داشتند چاره‌ای جز ماندن در عراق نداشتند.

در سال ۱۹۹۶، دولت ایران فعالیت‌های غیرقانونی مسلحانه‌اش در شمال عراق را تشدید کرد. در اوت ۱۹۹۶ بیش از دو هزار نیروی مسلح ایرانی وارد شمال عراق شدند و به پایگاه‌های حزب دموکرات کردستان ایران در آرپیل حمله کردند. همچنین در نتیجه نفوذ بیش از سه هزار گارد جمهوری صدام حسین که به دعوت یکی از احزاب کرد وارد منطقه شده بودند، زد و خورد میان دو حزب کرد عراقی شدت گرفت. (رجوع شود به بخش یک)

عزیز با کمک مالی فامیل و دوستان موفق شد در اوت ۱۹۹۶ به همراه خانواده‌اش به ترکیه بگریزد. آموغ همسرش در روزهای آخر حاملگی بود و هیچکدام از اعضای خانواده مدرک شناسائی معتبری نداشتند. از آنجا که روشن بود در صورت مراجعه به پلیس شرنایخ، که طبق مقررات ۱۹۹۴ اجباری است، بلافاصله اخراج می‌شدند، آنها تصمیم گرفتند که به همراه سه خانواده دیگر که شرایط مشابه‌ای داشتند مستقیماً به آنکارا بروند. به دلایل نامعلومی کمیساریای عالی موافقت کرد که با دو خانواده مصاحبه کند و پرونده‌ی آنها را در همان آنکارا بررسی نماید. لیکن در مورد عزیز و یک خانواده دیگر تاکید نمودند که با آنها مصاحبه نخواهد شد مگر این که به شرنایخ برگردند و نزد پلیس ثبت نام نمایند. روز بعد از مراجعه به کمیساریای عالی بطور غیرمنتظره‌ای درد زامان همسر عزیز شروع شد. این باعث شد که کمیساریای عالی بپذیرد پرونده عزیز و همسر و فرزندانش را در آنکارا بررسی کند. ولی در مورد باقی اعضای خانواده کمیساریای

در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۷، در اوج حملات دولت ترکیه علیه پناهجویان ایرانی شمال عراق، دفتر ترکیه‌ای کمیساریای عالی اعلام کرد که از آن پس این سازمان نیز از هر نوع کمکی به این گروه از ایرانیان، از جمله اسکان دادن آنان در کشورهای سوم، خودداری می‌کند. گرچه کمیساریای عالی این ایرانیان را بعنوان پناهنده، یعنی افرادی دارای ترس موجه از تعقیب، آزار و سرکوب در کشورشان، برسمیت می‌شناسد ولی با این وجود آنها را "جا به جاشوندگان بی قاعده" می‌نامد که قبلاً امنیت و حمایت لازم را در شمال عراق داشته‌اند.^{۱۲}

دستورالعمل کمیساریای عالی در مورد اسکان مجدد پناهندگان در کشور سوم که در ژوئیه ۱۹۹۷ تجدید چاپ شده است، در مورد "جابه‌جا شوندگان بی قاعده" این تعریف را ارائه کرده است:^{۱۳}

"جابه‌جا شونده بی قاعده" پناهنده یا پناهجویی است که کشوری را که در آنجا توانسته یا می‌توانسته امنیت و حمایت پایه‌ای بدست آورد، ترک کرده و برای پناهجویی به کشور دیگری آمده است، مگر این که برای این کار دلایل مبرم و قانع‌کننده‌ای داشته باشد. دلایل مبرم و قانع‌کننده شامل تهدید امنیت جانی فرد یا افراد خانواده همراه او و یا الحاق به اعضای درجه اول خانواده، که خود جابه‌جا شونده‌های بی قاعده نیستند، می‌شود.

مبنای این تعریف "سیاست در مورد پناهندگان شهری" است که جدیداً از سوی کمیساریای عالی اعلام شده است.^{۱۴} ادعا می‌شود که برای تدوین آن به انعقاد سال ۱۹۸۹ (شماره‌ی ۵۸) کمیته‌ی اجرائی کمیساریای عالی در ارتباط با "جابه‌جا شوندگان بی قاعده" توجهات لازم معطوف شده است. با این حال همان طور که بسیاری از منتقدین "سیاست در مورد پناهندگان شهری" اشاره نموده‌اند، مقررات کمیته‌ی اجرائی جابه‌جا شوندگان بی قاعده را به عنوان کسانی تعریف می‌کند که "در کشور معینی از امنیت و حمایت برخوردار گشته‌اند"، ولی با این وجود "به شیوه‌ای بی قاعده" به کشورهای دیگری "برای پناهجویی و یا اسکان دائم مسافرت می‌کنند"^{۱۵} [تاکید از ماست] در هیچ جای این تعریف گفتاری دال بر اینکه یک کشور بایستی امن محسوب گردد تنها به این دلیل ساده که در آنجا پناهجو "می‌توانسته" امنیت و حمایت بدست آورد، وجود ندارد. همانطور که جیمز هاتاوی، پروفیسور حقوق پناهندگی در دانشگاه یورک در تورنتو اظهار داشته است،

انعقاد شماره‌ی ۵۸ «جابه‌جا شدن از کشوری به کشور دیگر را تنها در صورتی منع می‌کند که پناهجو حقوق پناهندگی تضمین شده به وسیله‌ی قوانین بین‌المللی را واقعاً بدست آورده باشد»^{۱۶}

در پاسخ به انتقادات شدید از سیاست پناهندگی شهری از سوی بسیاری، از جمله سازمان‌های غیردولتی، محققین و حتی مأمورین خود کمیساریای عالی، این سازمان در دسامبر ۱۹۹۷، برای انطباق بیشتر تعریف "جابه‌جا شوندگان بی قاعده" با عهدنامه ۵۸ کمیته اجرائی کمیساریای عالی کلماتی را در آن تغییر داد.

سیاست تغییر داده شده چنین می‌گوید: «مسئله‌ی کلیدی این است که آیا پناهنده امنیت و حمایت لازم را [در کشوری دیگر] بدست آورده یا خیر»^{۱۷} با این حال، برخورد کمیساریای عالی به پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق در ترکیه نشان می‌دهد که مشکل اصلی تعریف این مقوله نیست. پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق حتی با تعریف ملایم‌تر شده‌ی فوق نیز جابه‌جا شونده بی قاعده محسوب نمی‌شوند. چرا که اگر در شمال عراق مانده بودند مقامات محلی کمیساریای عالی نمی‌توانستند امنیت آنها را تضمین نمایند. علت واقعی این که کمیساریای عالی این پناهندگان را چنین محسوب می‌کند تعریف نوآورانه‌ی آن از مقوله‌ی امنیت است و نه امکان برخورداری یا عدم آن در شمال عراق. کمیساریای عالی محتوای امنیت را آنچنان رقیق نموده است تا بتواند هرچه را که قبل از جایجا شدن پناهنده در دسترس وی قرار داشته است در برگیرد، بدون در نظر گرفتن این که این امکانات کافی و موثر بوده‌اند یا خیر. در نتیجه‌ی این برخورد بخش تغییر نیافته‌ی تعریف "جابه‌جا شونده بی قاعده" که مسئله‌ی دلایل مبرم و قانع‌کننده برای جابه‌جایی را مطرح می‌سازد، به راحتی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در ادامه‌ی این بخش از گزارش، سیاست جابه‌جایی بی قاعده‌ای را که کمیساریای عالی در ترکیه به اجرا گذاشته است بررسی می‌کنیم و نشان خواهیم داد که خطاهای این سیاست آنچنان بنیادی‌اند که در تناقض با اصول حفاظت از پناهندگان قرار می‌گیرند. اصولی که کمیساریای عالی متعهد به رعایتشان می‌باشد.

اگرچه پناهندگان ایرانی در شمال عراق گروه کوچکی از پناهندگان شهری تحت مسئولیت کمیساریای عالی را تشکیل می‌دهند، آنهایی که به ترکیه رفته‌اند چهل تا پنجاه درصد پرونده‌های ایرانی این سازمان را در آنجا تشکیل می‌دهند. بنابراین، از کمیساریای عالی انتظار می‌رفت که با اعلام سیاست جدیدش، توضیح رسمی‌ای ارائه کند که چرا ناگهان از ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ شرایط مخاطره‌آمیزی که

صدها ایرانی را تا آغوش وادار به فرار کرده بود دیگر از دید آنها وجود ندارد. با این حال تا به امروز کمیساریای عالی هیچ توضیح قابل قبولی ارائه نداده است. جواب‌هایی که تا کنون از سوی شاخه‌ی ترکیه و دفتر مرکزی کمیساریای عالی در ژنوا ارائه شده‌اند برخوردهای متناقض و پطره‌جویانه به مسئله‌ی شرایط امنیتی در شمال عراق دارند.

کارمندان دفتر ترکیه‌ی کمیساریای عالی در جواب به انتقادات گروه‌های حقوق بشر و پناهندگی، سیاست‌شان را با اغراق در فعالیت‌های اسکان‌دهی این سازمان در شمال عراق و بی‌اهمیت جلوه دادن مخاطرات امنیتی آنجا توجیه می‌کنند. دفتر آنکارا تصویری از شرایط امنیتی در شمال عراق ارائه می‌کند که بنیاد و اساس عینی ندارد. بطور مثال گفته شده است که فعالیت‌های تروریستی حکومت ایران در شمال عراق تنها مبارزان مسلح گروه‌های سیاسی را هدف قرار داده است. همچنین اظهار شده است مناطقی که به وسیله حزب دموکرات کردستان عراق، یکی از احزاب رقیب حاکم، کنترل می‌شوند برای پناهندگان ایرانی شمال عراق امن می‌باشند.

همان‌طور که در بخش یک و دو این گزارش بحث گردید، نه فقط مبارزان مسلح وابسته به احزاب سیاسی، بلکه بسیاری از پناهندگان نیز، چه بطور فردی، چه گروهی به وسیله‌ی عوامل ایران مورد حمله قرار گرفته، مجروح، مسموم و کشته شده‌اند. این حوادث محدود به مناطق تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان (PUK)، حزب حاکم دیگری که رابطه‌ی نزدیک تری با حکومت ایران دارد نمی‌شوند، بلکه همچنین در مناطق تحت کنترل حزب دموکرات کردستان (KDP) نیز اتفاق می‌افتند. اتفاقاً آنچه که ویژگی اساسی این حملات را تشکیل می‌دهد گستردگی و همه‌گیر بودن آنهاست. دقیقاً به این علت است که شمال عراق برای همگی پناهندگان کشور ناامنی است.

دستورالعمل کمیساریای عالی در مورد اسکان مجدد پناهندگان اظهار می‌دارد که امنیت یک عنصر بنیادی در تعریف "جابه‌جا شونده بی قاعده" است. کارمندان کمیساریای عالی در ترکیه ظاهراً با این نکته موافقت می‌کنند. براساس تعریف ویژه‌ی خودشان از امنیت عمل می‌کنند. در پاسخ به نگرانی‌های نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، یکی از کارمندان عالی‌رتبه کمیساریای عالی آنکارا چنین اظهار نظر کرده است:^{۱۸}

براساس اطلاعاتی که داریم از تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۹۷ حمایت کافی برای پناهندگان ایرانی در شمال عراق فراهم آمده است. این حمایت شامل اسکان

➤ مجدد در يك کشور سوم برای مواردی است که از دید کمیساری عالی دچار مشکلات امنیتی در شمال عراق هستند. بنابراین نباید پناهندگان ایرانی در بازگشتن به شمال عراق، جایی که پیش از آمدنشان به ترکیه ساکن بودند، با هیچ مشکل امنیتی ای مواجه شوند.

همانطور که در بخش دوم این گزارش ذکر گردید، به جز اسکان مجدد تنها نوع حمایت دیگری که توسط کمیساری عالی به برخی از پناهندگان ایرانی در شمال عراق داده می‌شود يك جیره‌ی غذایی ناچیز است. در نتیجه، «حمایت کافی» مذکور در واقع چیزی جز يك سهمیه‌ی غذایی و احتمال کمی (بیست در صد براساس آمار ۱۹۹۷) برای اسکان مجدد در آینده نیست. گرچه کارمند مذکور اذعان می‌دارد که «مواردی» با «مشکلات امنیتی» در شمال عراق وجود دارند، ولی به راحتی این واقعیت را که این مشکلات امنیتی باعث فرار آنها به ترکیه می‌شود نادیده می‌گیرد. گفتن این که پناهندگان مشکلات امنیتی دارند و بعد نتیجه‌گیری کردن این که آنها در

صورت بازگشت هیچ مشکل حفاظتی در آنجا ندارند ذاتاً متناقض است. این نه تنها با عهدنامه‌ی شماره‌ی ۵۸ کمیته‌ی اجرائی، بلکه با معیارهای خود کمیساری عالی که برای استفاده کارمندان آن تدوین شده نیز منطبق نیست. بعنوان مثال، سیاست پناهندگی شهری این معیارها را با عبارات کلی زیر تعریف می‌کند: ۱۹

بدیهی است پناهنده‌ای را که به دلیل مشکلات فردی حفاظتی یا امنیتی که در کشور قبلی دچارش بوده ناچار به جابه‌جا شدن گردد نمی‌توان به عنوان کسی محسوب کرد که توانسته در آنجا حمایت لازم را بیابد. وقتی نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی سوال کرد که کمیساری عالی پناهجویی را که فقط در مسیر مسافرتش به سمت ترکیه از شمال عراق عبور می‌نماید چگونه ارزیابی می‌کند، دفتر ترکیه‌ی کمیساریا گفت که حتی چنین پناهنده‌ای نیز ممکن است «جابه‌جا شونده بی‌قاعده» محسوب گردد و نتیجتاً برای دریافت کمک از کمیساریا در ترکیه واجد شرایط نباشد. کارمند مذکور در ادامه این بحث معیارهای مورد استفاده این دفتر را قدری مشخصتر

به هنگام این گونه تصمیم‌گیری‌ها [در مورد جابه‌جایی بی‌قاعده] ما همه شرایط مربوطه را در نظر می‌گیریم. از جمله مدت زمان اقامت آنها در شمال عراق، محل اقامتشان، این که آنها چگونه زندگی‌شان را در آنجا تأمین می‌کرده‌اند، در مدت اقامتشان چه می‌کرده‌اند، خانواده و ارتباطات دیگرشان در شمال عراق و غیره. اساساً تصمیم گرفته شده بیانگر این است که آیا عقلانی بوده است که پناهجو هم به کمیساری عالی در شمال عراق مراجعه کرده و هم با در نظر گرفتن همه‌ی شرایط آن منطقه در آنجا مانده باشد.

معیارهای ذکر شده در بالا عناصر بنیادی حمایت لازم از پناهنده، از جمله امنیت فیزیکی‌اش در کشور پناهندگی و خطر بازگردانده شدن او به کشور زادگاهش را مورد توجه قرار نمی‌دهد. در مورد پناهندگان ایرانی در شمال عراق این عناصر بنیادی از زمان تشکیل به اصطلاح پناهگاه امن غایب بوده‌اند (رجوع شود به بخش اول و دوم). این ◀

گفتارهای در تناقض با کردار

به یکی از کشورهای اسکان دهنده ارجاع دهد. آقای س. و خانواده‌اش بالاخره پس از بیشتر از يك سال و نیم انتظار از ترکیه خارج شدند. البته بخشی از تاخیر در خروج آنها بخاطر «غیر قانونی» بودنشان و مشکلات گرفتن اجازة‌ی خروج از مقامات ترکیه بود. اما حداقل هفت ماه از این زمان طبق روال معمول پناهندگی و اسکان دهی دفتر آنکارای کمیساری عالی صرف شده بود. آقای س. به نهاد همبستگی گفت: «اگر سریع‌السریر این است که ما در ترکیه دیدیم، چه آمیدی می‌توان به دفتر کمیساری عالی در شمال عراق داشت که نه فقط با کمبود شدید کارمند مواجه‌اند بلکه تحت شرایط فوق‌العاده سختی نیز باید کار کنند.»

مأمورین دفتر آنکارای کمیساری عالی برای توجیه سیاست جابه‌جایی بی‌قاعده و برای تشویق بازگشت داوطلبانه پناهجویان به شمال عراق، به پناهجویان قول می‌دهند که اگر دفاتر این سازمان در شمال عراق تشخیص دهند که پرونده‌شان «امنیتی» است، آنها را «به سرعت» در يك کشور سوم اسکان خواهند داد.

بی‌اساس بودن این قول‌ها با تجربه پناهجویانی که قبل از برقرار شدن سیاست جابه‌جایی بی‌قاعده از شمال عراق به ترکیه گریخته بودند به روشنی ثابت شده است. با وجود اینکه منابع و تسهیلات دفتر آنکارای کمیساری عالی برای بررسی پرونده‌ها و اسکان افراد در کشورهای سوم به مراتب بیشتر از دفاتر کمیساریا در شمال عراق است، این دفتر کماکان نتوانسته بود کار چنین پرونده‌هایی را «به سرعت» انجام دهد. حتی قوی‌ترین پرونده‌های امنیتی هم با تاخیرهای فاحشی مواجه شده بودند.

آقای س. پیش از آمدن به ترکیه بیش از پانزده سال در شمال عراق به سر برده بود. او برای اثبات رتبه تشکیلاتی و عضویتش در کمیته‌ی مرکزی سازمان سیاسی که قبلاً با آن فعالیت داشت مدارک نشان داده شده در اینجا را به کمیساری عالی ارائه کرده بود. در مصاحبه يك ساعته‌ای که با همبستگی با پناهندگان ایرانی داشت، دانش، تجربه و طرز رفتارش به وضوح نشان می‌داد که فردی است با سابقه‌ی سیاسی برجسته که طبیعتاً جانش حتی در ترکیه هم در خطر است و بدون شک باید برای اسکان فوری در يك کشور سوم از بیشترین تقدم برخوردار شود.

با این حال سه ماه طول کشیده بود تا دفتر آنکارای کمیساری عالی پرونده پناهندگی آقای س. را بررسی و به او موقعیت پناهندگی اعطا کند. پس از این مرحله هم، کمیساری عالی چهار ماه دیگر او را معطل کرده بود تا پرونده‌اش را



► که آیا پناهنده‌ای برای تأمین خرج زندگی‌اش در بازار آریل سبزیجات می‌فروخته و یا در خیابان‌های سلیمانیه کفش واکس می‌زده و چه مدت این کارها را می‌کرده است ارتباط مهمی با مخاطرات امنیتی‌ای که از سوی عوامل دولت ایران او را تهدید می‌کرده و عدم غایل مقامات محلی برای محافظت از پناهندگان در مقابل این تهدیدات و در مقابل بازگرداندن آنها به ایران ندارد.

از قرار معلوم، تنها نکته‌ای که به نظر می‌رسد در دستورالعمل کمیساری عالی برای اسکان مجدد مورد توجه کارمندان ترکیه‌ای این سازمان قرار گرفته است بخش مربوط به اصطلاح «عوامل جاذبه» برای جابه‌جائی بی‌قاعده می‌باشد. دستورالعمل مذکور در ادامه می‌گوید:

عوامل دافعه و جاذبه‌ای باعث جابه‌جائی بی‌قاعده می‌شوند. اینها گاهی به طور هم زمان عمل می‌کنند. عوامل دافعه می‌تواند شامل شرایط غیر قابل تحمل، عدم امنیت، فقر دائمی و بی‌قانونی و هرج و مرج باشد. عوامل جاذبه می‌تواند شامل شرایط اقتصادی بهتر، سطح بالاتر و بهتر کمک و مراقبت، دستیابی به آموزش، دسترسی به امکانات بهتر اسکان‌یابی مجدد، شرایط پناهنده‌گزینی آسانتر و رفتار بهتر در رابطه با ورود و خروج خارجی‌ان باشد.

شکی نیست که با توجه به شرایط اقتصادی وحشتناک شمال عراق تقریباً همه‌ی پناهندگان آنجا با نقل مکان به ترکیه شرایط اقتصادی‌شان را تا حدودی بهبود می‌بخشند (رجوع شود به بخش یک). از آن واضح‌تر امکانات بیشتر اسکان مجدد در ترکیه است (رجوع شود به بخش دوم). ولی صرف توجه به این مسئله که عوامل جاذبه مهمی وجود دارند ارزیابی واقعی پناهنده‌گی محسوب نمی‌شود، بخصوص اگر «علل مبرم و قانع‌کننده‌ای که منجر به جابه‌جا شدن شده است» نادیده گرفته شوند. این علل مبرم و قانع‌کننده همانطور که در تعریف خود کمیساری عالی از جابه‌جائی بی‌قاعده در دستورالعمل اسکان مجدد آمده است شامل «تهدیدات علیه امنیت جانی فرد و یا اعضای خانواده همراه وی» و «یا» الحاق به خانواده» است. با چنین بی‌توجهی بزرگی به «عوامل دافعه» جای تعجب نیست که کمیساری عالی پناهنده‌ای مانند مریم را که دلایل فرار از شمال عراق دقیقاً در چهارچوب دلایل مبرم و قانع‌کننده‌ی بالا می‌گنجد سهل‌انگارانه رد کند.

مریم در اوت ۱۹۹۷ از شمال عراق به ترکیه گریخته. خودش پدرش رهبر سرشناس یکی از سازمان‌های سیاسی کُرد مخالف رژیم ایران بود و خودش نیز فعال سیاسی بوده است. یکی از برادران مریم به وسیله‌ی نیروهای امنیتی ایران در سال ۱۹۸۶ کشته شد و پس از آن باقی اعضای

خانواده‌اش به شمال عراق گریختند. اما آنها در آنجا نیز در امنیت نبودند. برادر و برادرزاده‌ی مریم به وسیله‌ی بی‌گانه‌ی که در ماشین آنها کار گذاشته شده بود به شدت مجروح گردیدند. برادر دیگر او به وسیله‌ی فرد ناشناسی در نزدیکی سلیمانیه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح گردید. سه ماه بعد یک بمب به حیاط خانه‌ی آنها پرتاب شد. در سال ۱۹۹۳، خواهرزاده یازده ساله‌اش ربوده شد. او را دوازده ساعت بعد و تنها پس از دخالت نیروهای امنیتی محلی کردستان عراق پیدا کردند.

در آوریل ۱۹۹۵، مریم با یک پناهنده‌ی سیاسی مقیم سوئد ازدواج می‌کند. کمی بعد برای پیوستن به همسرش از دفتر کمیساری عالی در سلیمانیه درخواست کمک می‌کند. یک سال او را بی‌جواب می‌گذارند. در اوت ۱۹۹۷ بالاخره به مریم گفته می‌شود که مقامات سوئد باید با او مصاحبه کنند. از آنجا که این امکان در شمال عراق وجود ندارد مریم چهاره‌ای جز عبور غیرقانونی از مرز و ورود به ترکیه برای تماس با سفارت سوئد در آنکارا نمی‌جوید. سفارت سوئد چند ماه بعد از او مصاحبه به عمل می‌آورد و به او ویزای پناهنده‌گی برای ملحق شدن به همسرش در سوئد می‌دهد. برای حل مسئله‌ی خروجش از ترکیه سفارت سوئد به او توصیه می‌کند که با کمیساری عالی تماس حاصل کند. مریم در دسامبر ۱۹۹۷ در دفتر آنکارای کمیساری عالی ثبت نام می‌کند. ولی در مارس ۱۹۹۸ به جای فراهم کردن امکانات انتقال وی به سوئد بر طبق موازین حمایتی کمیساری عالی و خط مشی آن در ارتباط با الحاق خانوادگی، کمیساری عالی اعلام می‌کند که مریم نیز یک «جابه‌جا شونده‌ی بی‌قاعده» است و در نتیجه تنها کمکی که می‌توانند به او بکنند بازگرداندنش به شمال عراق است. مریم پس از این که جواب رد شنید گفت: «وقت مصاحبه‌ام با کمیساری عالی انگار دهان بندی به من زده بودند تا دلیل واقعی آدمم به ترکیه را نشنوند». او با ناراحتی ادامه داد: «الان دلیلش را می‌فهمم».

متأسفانه دفتر آنکارای کمیساری عالی با روش انحرافی که برای تشخیص جابه‌جا شونده‌گان بی‌قاعده پیش گرفته است، تعمداً این امکان نایاب را نیز به هدر می‌دهد که در مورد مسائل امنیتی که ایرانیان در شمال عراق با آن مواجه‌اند از پناهیونان شهادتهای دست اول جمع‌آوری کند. شهادت‌هایی که در این رابطه به دست نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی رسیده‌اند بسیار مهم و جدی می‌باشند. ما بر این باوریم که اگر کمیساری عالی اجازه دهد چنین شواهدی راهنمای تصمیم‌گیری‌هایش شود، دیگر هیچ پناهنده‌ی سابقاً مقیم شمال عراقی چنین سهل‌انگارانه «جابه‌جا شونده‌ی بی‌قاعده» محسوب نمی‌شود.

از طرف دیگر، دفتر مرکزی ژنو کمیساری عالی در نامه‌هایی که به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی ارسال کرده موقعیت مخاطره‌آمیز پناهندگان شمال عراق را به رسمیت شناخته است. با این وجود، مرکزیت ژنو هم برای توجیه بازگرداندن پناهندگان به شمال عراق، به افزایش نسبی در تلاش‌های این سازمان برای اسکان مجدد از شمال عراق در سال ۱۹۹۷ و خیال‌هایی خام برای آینده متوسل می‌شود. دفتر منطقه‌ای برای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی، افریقای شمالی و خاورمیانه‌ی کمیساری عالی با در نظر گرفتن این که تعداد ۷۷۴ ایرانی در سال ۱۹۹۷ اسکان مجدد یافته‌اند (در حالی که بیش از سه هزار نفر هنوز باقی مانده‌اند) قول می‌دهد که «کمیساری عالی همچنان تلاش خواهد کرد که اگر لازم شد برای بیشتر از این تعداد هم به هر نوع حفاظتی که مورد نیاز باشد پاسخ دهد، البته در صورتی که کشورهای اسکان دهنده سیاست همکاری خود را ادامه بدهند و شرایط منطقه هم اجازه بدهد»^{۲۲} [تاکید از ما است]

با این حال، برای ایرانیان مقیم شمال عراق امکان اسکان مجدد اصلاً چشم‌انداز روشنی ندارد (رجوع شود به بخش دوم) و در هر صورت، اسکان مجدد در یک آینده‌ی دور نمی‌تواند پاسخی مشکلات حفاظتی و امنیتی کنونی پناهیونان باشد.

در آوریل سال ۱۹۹۸، نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، در رابطه با سه پناهجو در شمال عراق مداخله کرد و از کمیساری عالی ملل متحد ژنو مهرانه خواست که بر اساس ملاحظات انسانی از اطلاق «جابه‌جا شونده‌ی بی‌قاعده» به آنها دست بردارد. این پناهیونان در دسامبر ۱۹۹۶ وارد ترکیه شده بودند (یعنی قبل از ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ که آغاز سیاست «جابه‌جا شونده‌های بی‌قاعده» است). آنها، با وجود این که هیچ تقصیری متوجه‌شان نبود، مدت کوتاهی پس از ورودشان به وسیله پلیس شریناخ خودسرانه به شمال عراق دپورت شده بودند. سپس بی‌خبر از این که چنین سیاستی از سوی کمیساری عالی به اجرا در آمده، مجدداً وارد ترکیه شدند. نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی پافشاری کرد که با توجه به اینکه کمیساری عالی به هنگام دپورت بار اول این افراد ناظری بیش نبوده، هم اکنون بسیار غیراخلاقی است که سیاست «جابه‌جائی بی‌قاعده» را در مورد آنها اعمال کند.

در جواب، مرکزیت ژنو کمیساری عالی ناگهان به یاد آورد که یکی دیگر از اهداف سیاست «جابه‌جائی بی‌قاعده» این است که «پناهندگان را از اقدام به سفرهای پر مخاطره به ترکیه در جستجوی امکانات اسکان مجدد منصرف کند» و اینکه «هراقدامی که به منتفی شدن

➤ این سیاست بیانجامد ممکن است تاثیر منفی ای بر زندگی و امنیت پناهندگانی بگذارد که در صورت لغو سیاست جابه جایی بی قاعده تشویق می شوند از مرزهای پر مخاطره بگذرند. «۲۳ البته شکی نیست که گذشتن از مرزهای جنوب شرقی ترکیه بسیار خطرناک است. با این حال، آیا مجاز است پناهجویان را به خاطر این که مجبور شده اند دوبار با چنین خطری روبه رو شوند تنبیه کرد؟ آیا باید شهادت های آنان را دال بر این که تهدیدات علیه زندگی و امنیت شان در شمال عراق از مخاطرات سفر به ترکیه فراتر می رود به سادگی نادیده گرفت؟ آیا باید صرفاً بخاطر اینکه نشان داد کمیساریای عالی کوتاه نخواهد

آمد، پناهجویان را در ترکیه، جایی که باتهدیدات امنیتی عوامل جمهوری اسلامی ایران مواجه اند و در معرض دپورت به ایران از سوی پلیس نیز هستند، سرگردان، ضربه پذیر و به حال خویش رها کرد؟ جواب مرکزیت ژنو کمیساریای عالی به همه این سوالات ظاهراً مثبت است. نگرانی مطرح شده توسط کمیساریای عالی برای جلوگیری از عبور پناهندگان از مرزهای خطرناک در مقایسه با بی تفاوتی این سازمان نسبت به مخاطرات واقعی ای که با ماندن در شمال عراق متوجه شان است و آنها را مجبور می کند از مرزها عبور بگذرند، گفتار متظاهرانه ای بیش نیست.

با این حال مرکزیت ژنو کمیساریای عالی در يك مورد مُحق است و آن این که سیاست "جابه جایی بی قاعده" تا حدود زیادی مانع از جابجایی پناهندگان شده است. در ژانویه ۱۹۹۷ وقتی که نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی از سلوی بازدید می کرد نزدیک به صد خانوار ایرانی در آنجا به سر می بردند، اما در آوریل ۱۹۹۸ این تعداد به پنج مورد تقلیل پیدا کرده بود. واضح است که هم کمیساریای عالی و هم مقامات ترکیه خواهان ادامه ای این روند هستند. واقعیت امر جز این نیست که سیاست "جابه جایی بی قاعده" برای حفاظت کمیساریای عالی و منابع آن از پناهندگان طرح شده است. هر اندازه کشورهای

مشکلات امنیتی دیگر در ترکیه

علاوه بر خطر اخراج به شمال عراق به وسیله پلیس ترکیه، پناهجویانی که از سوی کمیساریای عالی مهر "جابه جا شونده های بی قاعده" می خورند، با خطر اخراج به ایران به وسیله پلیس ترکیه و همچنین مخاطرات جانی از سوی عوامل دولت ایران که در داخل ترکیه عمل می کنند رودر رو هستند.

در طی سال های گذشته موارد متعددی از اخراج بلافاصله پناهندگان به ایران پس از دستگیری به وسیله پلیس ترکیه گزارش شده است. در سپتامبر ۱۹۹۷ سازمان عفو بین الملل نوشت که در ترکیه حتی پناهجویانی که به وسیله کمیساریای عالی به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شده اند در امنیت نیستند. این سازمان اظهار داشت که از نمونه های متعددی با خبر است که ترکیه پناهجویان را در همان روز دستگیری و علی رغم اعتراضات کمیساریای عالی به ایران بازگردانده است. در يك مورد يك ایرانی زندانی سیاسی سابق که در ۲۵ آوریل ۱۹۹۶ برای ثبت درخواست پناهندگی به مقامات ترکیه رجوع کرد و يك وکیل کمیساریای عالی هم او را همراهی می کرد فوراً دستگیر و همان روز به ایران برگردانده شد. بر طبق گزارش این سازمان موارد کمی وجود دارند که پس از دخالت کمیساریای عالی و آن هم با این شرط که به سرعت به وسیله کمیساریای عالی به کشور سومی منتقل شوند پناهجویان از خطر اخراج رهایی یافته اند.

وجود موافقتنامه های امنیتی بین ایران و ترکیه خطر اخراج به ایران را برای اعضای اپوزیسیون ایرانی در ترکیه افزایش داده است. از سال ۱۹۹۲ این دو دولت حداقل سه فقره از این موافقتنامه ها را با یکدیگر امضاء کرده اند. به گفته ی سازمان عفو بین الملل در آوریل ۱۹۹۶ دو حکومت بر طبق گزارشهایی موافقت نامه ای امضاء کردند که در آن تحویل مخالفین يك کشور به دیگری قید شده است. بنا بر اطلاعاتی که به دست عفو بین الملل رسیده است پس از امضای این موافقت نامه، تعداد ایرانیان پناهجوئی که به ایران برگردانده شدند به شدت افزایش یافته است. در اوت ۱۹۹۶ گزارش شد که دولت ترکیه قصد دارد موافقت نامه ای به مقامات ایران ارائه کند که هدفش هماهنگی فعالیت های دو کشور علیه جدائی طلبان کُرد و "گروه های تروریستی" است. گفته می شود که این موافقت نامه شامل تدارکاتی است برای استرداد متقابل عناصر مخالف.

در سال های گذشته تعدادی از مخالفین ایرانی در ترکیه به وسیله عوامل دولت

ایران به قتل رسیده اند. در چهار ژوئن ۱۹۹۲ علی اکبر قربانی، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در استانبول ربوده شد. طبق گزارشات موجود روی جسدش که در ژانویه ۱۹۹۳ در جنگلی نزدیک یالووا در ترکیه پیدا شده است آثار شکنجه دیده شده. در دسامبر ۱۹۹۲ عباس قلی زاده، عضو سازمان درفش کاویانی که گروهی سلطنت طلب است نزدیک خانه اش در استانبول ربوده شد. گزارش هایی وجود دارند دال بر این که افرادی که در این رابطه دستگیر شده اند به ربودن و قتل او اعتراف کرده اند. در بیست و پنج اوت ۱۹۹۳، محمد قادری، عضو حزب دموکرات کردستان ایران، از خانه اش در قیرشهر به وسیله دو مرد که لباس مبدل پلیس داشتند ربوده شد. بدن قطعه قطعه شده او پس از حدود ده روز کشف شد.

در ۲۸ اوت ۱۹۹۳ جسد بهرام آزادی فر، عضو حزب دموکرات کردستان ایران در خانه اش در آنکارا پیدا شد. گزارش شده است دو مرد که با لباس مبدل پلیس ترکیه موفق شده بودند وارد خانه اش شوند بلافاصله او را به قتل رسانده بودند. در ۴ ژانویه ۱۹۹۴ طاهای کرمانج، یکی از اعضای بالای حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) در نزدیکی خانه اش در چروم مورد اصابت گلوله قرار گرفت. او در اوایل سال ۱۹۹۳ از شمال عراق که در آنجا از سوی عوامل دولت ایران تهدید به مرگ شده بود به ترکیه گریخته بود.

گزارش هایی وجود دارد که سه مرد که دو نفرشان ایرانی هستند در ارتباط با این قتل دستگیر گردیدند. در ۲۰ فوریه ۱۹۹۶ زهرا رجبی و عبدالعلی مرادی در استانبول ترور گردیدند. دو مرحله محاکمه قضایی در دادگاه در ارتباط با این قتلها قاطعانه نشان می دهد که این ترورها به وسیله عوامل حکومت ایران انجام شده اند. در بیست و چهار ژانویه ۱۹۹۷ دادگاه جنائی هفتم استانبول، رضا برزگر معصومی را که يك شهروند ایرانی متولد رضائیه است برای همکاری در قتل برنامه ریزی شده زهرا رجبی و علی مرادی به سی و دو سال و شش ماه زندان با اعمال شاقه محکوم کرد. در حکم دادگاه آمده است که متهم در اعترافاتش اظهار داشته که بر طبق دستورات اداره اطلاعات ایران عمل کرده است. ■

► میزان تمایل کمتری برای تعیین سهمیه‌ی اسکان مجدد پناهندگان نشان می‌دهند. دفتر ترکیه‌ی کمیساری عالی هم با مشکلات بیشتری برای اسکان مجدد پناهندگان تحت مسئولیتش مواجه می‌شود.^{۲۴} کمبود سهمیه‌ی اسکان مجدد، دفتر ترکیه‌ی کمیساری عالی را تحت فشار مالی سنگینی می‌گذارد. زیرا پناهندگانی که نمی‌توانند اسکان مجدد یابند مجبورند دوره‌های طولانی تری در همانجا تحت مسئولیت کمیساریا بمانند. کمبود سهمیه همچنین روابط مابین کمیساری عالی و دولت ترکیه را پیچیده‌تر و پرتنش‌تر می‌کند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد ترکیه به پناهجویان غیراروپائی فقط برای مدت زمان محدودی اجازه‌ی اقامت می‌دهد تا پرونده‌هایشان به وسیله کمیساری عالی مورد بررسی قرار گرفته و در یک کشور سوم اسکان مجدد یابند. ترکیه صریحاً اعلام کرده است که حضور پناهندگانی را که از سوی کمیساری عالی برسمیت شناخته شده‌اند ولی نمی‌توانند در کشور سومی اسکان مجدد یابند تحمل نخواهد کرد. به عبارت دیگر اسکان‌یابی سریع تنها محافظ واقعی پناهندگان در مقابل دیپورت به وسیله‌ی دولت ترکیه است. عدم توانائی کمیساری عالی در اسکان مجدد پناهندگان، این سازمان را اجباراً با دولت ترکیه رودرو می‌کند چون باید از دولت بخواهد که اجازه اقامت پناهندگان را برای مدت زمان طولانی تری تمدید کند. کمیساری عالی مهربانه از اجرای چنین نقشی برای دو دهه اجتناب کرده است.

با کاسته شدن شمار پناهندگان سابقاً مقیم شمال عراق از جمعیت پناهندگان تحت مسئولیت کمیساری عالی در ترکیه، این سازمان، تقاضا برای اسکان مجدد و هزینه‌های مربوط به آن را به طور قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌دهد و به نقش تاریخی حاشیه‌ای‌اش در این کشور ثبات بیشتری می‌بخشد. نگه داشتن مازاد پناهندگان در شمال عراق به کمیساری عالی در کنترل کردن روابطش با پناهندگان نیز کمک می‌کند. در سال‌های اخیر، کمیساری عالی درگیری‌های شدید و جدی‌ای با پناهندگانی که از اسکان مجدد آنها خودداری شده، داشته است. پناهندگانی که در ترکیه به وسیله کمیساری عالی به رسمیت شناخته می‌شوند ولی اسکان مجددشان به تاخیر می‌آفتد امکانات بیشتری برای اعتراض دارند تا پناهندگانی که در شرایط خطرناک و فقر شدید شمال عراق زندگی می‌کنند.

شکی نیست که کمیساری عالی وظیفه‌ای دشوار در مواجهه با کمبود سهمیه‌ی اسکان مجدد و عدم تمایل دولت‌ها برای افزایش آن دارد. با این حال سیاست

“جابه‌جائی بی‌قاعده” راه حل درست برخورد با این مشکل واقعی نیست. این سیاست اصل عدم-اخراج پناهنده را نقض می‌کند. این سیاست از يك سو پناهندگان را مجبور می‌کند تا به منطقه ناآمنی باز گردند یا در منطقه ناآمنی باقی بمانند و از سوی دیگر مقامات ترکیه را ترغیب می‌کند که بدون هیچ مانعی و بی‌وقفه پناهندگان را اخراج کنند.

بر طبق گزارشات رسیده، تاکنون چندین پناهجو پس از گرفتن جواب منفی از سوی دفتر ترکیه‌ی کمیساری عالی به وسیله پلیس ترکیه دیپورت شده‌اند. این سیاست عواقب به مراتب آسفناک‌تری خواهد داشت زمانی که دولت‌های دیگر با پیروی از منطق کمیساری عالی در مورد جابه‌جائی بی‌قاعده مانع از تقاضای پناهندگی پناهجویان سابقاً مقیم شمال عراق در کشورشان شوند و آنها را به ترکیه یا شمال عراق برگردانند.

سیاست جابه‌جائی بی‌قاعده‌ی کمیساری عالی با دست کشیدن از اصولی که سازمان‌های غیردولتی سرسختانه از آن دفاع می‌کنند، تا دولت‌ها و ادار به رعایت حقوق پناهندگان و افزایش سهمیه‌ی اسکان مجدد برای آنان شوند، کلیت ساختار شکننده‌ی حفاظت از پناهنده را به خطر می‌اندازد. زمانیکه مهمترین سازمان جهانی حفاظت از پناهندگان اصول را کنار می‌گذارد و به ترفندهای حساب شده‌ای برای حفظ منافع و روابط سیاسی می‌پردازد بدیهی است که تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی به طرز اجتناب‌ناپذیری کم اثر می‌شوند و یا به هدر می‌روند.

یک نمونه بسیار تاسف‌آور در این مورد پیشنهاد انجمن اینترآکشن (InterAction) در رابطه با پناهجویان شمال عراق بود که بخاطر سرسختی کمیساری عالی به بن‌بست رسید. اینترآکشن انجمنی متشکل از صد و شصت سازمان غیردولتی و داوطلبانه در آمریکا است. طرح پیشنهادی این انجمن این بود که دولت آمریکا سهمیه‌ی خاصی را برای ۳۰۰۰ پناهنده ایرانی در شمال عراق که از سوی عوامل رژیم ایران در این منطقه تهدید می‌شوند در نظر بگیرد. به دلیل اینکه آمریکا خواهان مصاحبه‌های رودرو با پناهجویان است و در عین حال نمی‌تواند مأمورینی برای این منظور به عراق بفرستد، اینترآکشن توصیه کرد آن دسته از پناهجویانی که پرونده‌هایشان از سوی آمریکا و یک کشور اسکان‌دیناوی (که بدون مصاحبه و صرفاً بر اساس پرونده پناهنده می‌پذیرد) پاسخ مثبت دریافت می‌کنند در این برنامه شرکت کنند.^{۲۵} اینترآکشن خواست که کمیساری عالی با دولت ترکیه مذاکره کند تا پناهجویان انتخاب شده به آنکارا آورده شوند، با این شرط که هر کس از سوی آمریکا اسکان مجدد داده نشد از سوی یک کشور اسکان‌دیناوی

که به پرونده‌ی پناهجو قبلاً جواب مثبت داده پذیرفته شود. متأسفانه از آنجا که خط مشی کمیساری عالی در تقاضا با این طرح است پیشنهاد مبتکرانه و خلاق اینترآکشن کاملاً نادیده گرفت شد. سیاست جابه‌جائی بی‌قاعده بروشنی تاکید می‌کند که همکاری کمیساری عالی با دولت‌ها باید فقط و فقط «در جهت منصرف ساختن جابه‌جا شوندگان بی‌قاعده‌ی آینده باشد».^{۲۶}

۵. نتیجه و توصیه‌ها

پناهندگان دارای حق بنیادی پناهندگی امن هستند. پناهندگی امن قبل از هر چیز شامل امنیت فیزیکی در کشور پناهندگی است. آنها همچنین نباید بزور از کشور پناهگاهشان به جایی که ممکن است مورد تعقیب، آزار و سرکوب قرار گیرند بازگردانده شوند و باید تضمین شود که حقوق اولیه بشری‌شان محترم شمرده شود.

پناهندگان ایرانی در شمال عراق از پناهندگی واقعی محرومند. در آنجا آنها دائماً با تهدیدات جانی و خطر اخراج غیرمجاز مواجه‌اند. اسکان مجدد در کشور سوم به وسیله‌ی کمیساری عالی، که تنها راه حل حفاظتی پایدار برای پناهندگان ایرانی در شمال عراق است، برنامه‌ای بسیار کند و غیرقابل پیش‌بینی است. هزاران پناهنده‌ی نیازمند اسکان مجدد فوری هنوز در انتظارند و غیرمحتمل به نظر می‌رسد که در آینده نیز اسکان یابند. جابه‌جا شدن پناهجویان ایرانی از شمال عراق در جستجوی امنیت فوری و درازمدت زائیده این امر است و در نتیجه باید به عنوان حرکتی موجه شناخته شود و پاسخی متناسب دریافت کند.

در حالی که باید برای افزایش امکانات اسکان مجدد از شمال عراق و سرعت بخشیدن به این روند، هرگونه کوشش ممکن صورت گیرد، این وظیفه‌ی جامعه بین‌الملل است که اطمینان حاصل کند کلیه دولت‌ها از عدم پذیرش و یا بازگرداندن پناهندگانی که از شمال عراق گریخته‌اند خودداری کنند.

به دلایل جغرافیائی، ترکیه کشور اصلی‌ی پناهندگی برای پناهندگان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق است. با این حال دولت ترکیه همواره به پلیس این کشور اختیار داده است که مانع از درخواست پناهندگی پناهجویان شود و بی‌وقفه آنها را به شمال عراق بازگرداند. آنهایی که به مراحل پناهنده‌گزینی دست می‌یابند باید در شرایط طاقت‌فرسای بسر برند و در مقابل آزار و بدرفتاری پلیس محافظت نمی‌شوند. ◀

دولت ترکیه بایستی برای پایان دادن به تعدیات و رفتارهای خودسرانه پلیس با پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق، از جمله اخراج فوری آنها، اقدامات نظارتی لازم را سامان دهد. دولت باید تا هر زمان که لازم است برای این افراد پناهگاه امن فراهم کند و اطمینان حاصل نماید که در طول مدت اقامتشان از شرایط زندگی انسانی برخوردار می‌شوند.

در مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ بایستی تغییرات جدی داده شود تا با معیارهای حداقل پناهنده‌گزینی عادلانه تطبیق یابد. در حال حاضر چندین سازمان شناخته شده بین‌المللی، از جمله سازمان عفو بین‌الملل و کمیته‌ی ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان،^{۲۷} پیشنهادات معقول و عملی برای تطبیق دستگاه پناهنده‌گزینی ترکیه با حداقل معیارهای شناخته شده بین‌المللی ارائه داده‌اند. دولت ترکیه باید اقدامات لازم برای اجرای این پیشنهادات را به عمل آورد.

در عین حال، این دولت باید بعنوان یک مسئله‌ی اضطراری محدودیت‌های زیر را فوراً لغو کند:

۱) محدودیت جغرافیایی که برای محل ارائه درخواست پناهندگی وجود دارد و الزام به ماندن در مرزهای جنوب شرقی که پناهجویان را در معرض شرایط شدیداً ناامن و غیرانسانی قرار می‌دهد.

۲) محدودیت زمانی پنج روزه برای ارائه درخواست پناهندگی که در صورت رعایت نکردنش پناهجو با اخراج فوری مواجه می‌شود. ۳) الزام به تحویل مدارک شناسائی که در صورت فقدان آنها پناهجو با اخراج فوری مواجه می‌شود.

سیاست مخرب "جابه‌جاشونده بی‌قاعده" که از سوی کمیساری عالی بر پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق اعمال می‌شود، آنها را از هرگونه کمکی از سوی این سازمان، از جمله اسکان مجدد در کشور سوم محروم می‌سازد. این سیاست به دولت ترکیه اختیار می‌دهد که با دست باز پناهندگان را بازگرداند. سیاست مذکور برای دولت‌های دیگر نیز چراغ سبزی است که به پناهجویان ایرانی سابقاً مقیم شمال عراق اجازه ندهند در کشورشان درخواست پناهندگی کنند و آنها را بی‌درنگ اخراج نمایند. اصلی‌ترین مسئولیت واگذار شده به کمیساری عالی اطمینان حاصل کردن از این است که پناهندگان به

پناهگاهی امن و واقعی دست یابند. بدین خاطر است که اقدامات کمیساری عالی برای بازگرداندن اجباری پناهندگان از ترکیه به شمال عراق و کوشش آن برای محصور کردن آنها در مکانی ناامن و فاقد کمک‌های انسانی غیراخلاقی است.

افزایش نسبی در امکانات اسکان‌دهی از شمال عراق - که اساساً محدود و غیرکافی‌اند - نباید مستمسکی باشد برای تقیح و تبعیض علیه آن عده از پناهجویان که کماکان بخاطر مخاطرات موجود مجبورند در خارج از شمال عراق پناهگاه امنی را جستجو کنند. اصرار بر اینکه پناهندگان در یک منطقه ناامن و بی‌ثبات از امنیت قابل قبول برخوردارند، اصول به دشواری به دست آمده‌ی پناهندگی را بی‌ارزش می‌سازد.

سیاست "جابه‌جائی بی‌قاعده" کمیساری عالی بایستی فوراً پایان یابد. مسئله‌ی کمبود سهمیه برای اسکان مجدد از ترکیه، باید از طریق تحت فشار گذاردن سرسختانه دولت‌های اسکان‌دهنده پناهندگان حل گردد. کمیساری عالی بایستی فعالانه به دنبال همکاری و حمایت از تلاشهای سازمان‌های غیردولتی باشد که برای آگاه کردن عامه مردم در کشورهای اسکان دهنده از وضع آسناک پناهندگان نیازمند و تحت فشار قرار دادن دولت‌ها برای افزایش سهمیه‌ی اسکان کوشش می‌کنند. ■

پانویسها

۱- در سال ۱۹۹۲ شرایط در سه اردوگاه که بیش از نوزده هزار پناهنده کرد عراقی که از زمان مهاجرت جمعی‌شان در سال ۱۹۸۸ هنوز در آنجا نگاه داشته می‌شدند آسناک گزارش گردید. در عرض سه سال قبل از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، این اردوگاه‌ها به وسیله ارتش و سیم‌های خاردار محاصره شده بودند. اردوگاه‌ها با مشکلاتی مثل ازدیاد جمعیت، قطع مکرر برق و آب غیر بهداشتی روبرو بودند. کردها مدعی هستند که کودکانشان بر اثر بی‌حفاظی، تغذیه ناسالم و بیماری مرده‌اند. از ورود بازرس‌های بین‌المللی به اردوگاه‌ها جلوگیری شده است و رفت و آمد به آنها بسیار محدود بوده است. حتی کمیساری عالی نیز تا سال ۱۹۹۱ قادر نبود به پناهندگان دسترسی پیدا کند. در سال ۱۹۸۸، گزارش‌های مکرری درباره‌ی بازگرداندن اجباری پناهندگان به عراق به وسیله‌ی مقامات ترکیه وجود دارد. در سال ۱۹۹۰ سازمان عفو بین‌الملل موارد بی‌شماری از اخراج‌های غیرمجاز را در گزارشی ذکر کرد و در رابطه با اینکه

ممکن است تعداد بیشتری نیز به زور مجبور به بازگشت شده باشند ابراز نگرانی نمود. کشورهای غربی نیز ترکیه را در ارتباط با رفتارش با پناهندگان کرد عراقی مورد انتقاد قرار دادند.

در اواخر مارس ۱۹۹۱، پس از پایان جنگ خلیج فارس یک گروه بزرگ از کردهای عراقی به مرزهای ترکیه روی آوردند. عکس‌العمل ترکیه بستن مرزهایش بود. اگر کسی جرأت به خرج می‌داد و ۸۰۰ متری داخل ترکیه می‌شد، با شلیک هوایی سربازان ترک به عقب رانده می‌شد. در گزارشی منتشر شده از سوی یکی از زیر کمیته‌های مجلس سنای آمریکا نوشته شده: «اگر به پناهندگان اجازه می‌دادند به این سوی مرز بیایند - حتی برای ۸۰۰ متر - و وارد شرایط مساعدتر و تسهیلات بیشتر دره‌های ترکیه بشوند برخی از مرگ و میرهای دخواست را می‌شد به حداقل رساند...» وزارت خارجه‌ی ترکیه تخمین زده است که در هفته‌ی اول آوریل، هزار و پانصد کودک در این سفر هلاک شده‌اند. گروه‌های بیشتری از پناهندگان پس از رسیدن به مرزها بر اثر اسهال، گرسنگی و بی‌پناهی از پای درآمدند. انتقال دولت‌های غربی با ایجاد منطقه‌ی "پناهگاه امن" از ترکیه در بیرون نگه داشتن کودها پشتیبانی کردند. رجوع کنید به:

Amnesty International; *Turkey-Discriminatory Treatment of non-European Refugees and Asylum Seekers*, March 1994, EUR 44/16/94; Bill Frelick, *The False Promise of Operation Provide Comfort-Protecting Refugees or Protecting State Powers*, Middle East Report, May-June 1992, US Committee for Refugees, *World Refugee Survey-Turkey*, 1990-1997; Lawyers Committee for Human Rights, *Asylum Under Attack, A Report on the Protection of Iraqi Refugees and Displaced Persons-One Year After the Humanitarian Emergency in Iraq*, April 1992.

۲) در سال ۱۹۹۳ مقامات وزارت کشور ترکیه به نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل گفتند تا آنجا که به مقامات ترکیه مربوط می‌شود هیچ پناهنده‌ی واقعی‌ای از عراق نمی‌آید. سازمان عفو بین‌المللی همچنین گزارش داد دولت ترکیه به پناهندگان عراقی که از سوی کمیساری عالی به رسمیت شناخته شده و به وسیله‌ی کشورهای اسکان دهنده هم پذیرفته شده‌اند اجازه‌ی خروج نمی‌دهد.

Amnesty International, *Turkey: Discriminatory Treatment of non-European Refugees and Asylum Seekers* March 1994 AI index EUR 44/16/94

همچنین گفته شده است علت این که پلیس شرناخ با پناهجویان عراقی سراسری رفتار می‌کند این است که مقامات ترکیه پیشاپیش فرض کرده‌اند شمال عراق برای کردهای آن کشور منطقه‌ی امنی است و علی‌رغم ناآرامی‌ها و زدوخوردهای خونینی که مابین احزاب سیاسی محلی جریان دارد. ◀

پناهجویان می‌توانند بدون ترس از تعقیب، آزار و سرکوب به آنجا برگردند.

US Committee for Refugees, *Barriers to Protection: Turkey's Asylum Regulations*, 1996.

Official Gazette, 30 Nov. 1994, No. 22127 (۳)

(۴) بند يك مقررات پناهندگی ۱۹۹۴ ترکیه پناهنده و پناهجورا به ترتیب زیر تعریف می‌نماید:

پناهنده:

يك خارجی است که در نتیجه وقایع اتفاق افتاده در اروپا و بخاطر داشتن ترس موجه از تعقیب، آزار و سرکوب به دلیل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در يك گروه اجتماعی معین و یا عقیده سیاسی خارج از کشور ملیت خویش بوده و نمی‌تواند و یا بخاطر این ترس ماسل به بهره‌جویی از حفاظت آن کشور نمی‌باشد و یا کسی است که ملیت نداشته و با بودن در خارج از محل زندگی سابقش در نتیجه چین و قایعی نمی‌تواند و یا بخاطر این ترس مایل نیست که به کشورش بازگردد.

پناهجو:

يك خارجی است که بخاطر داشتن ترس موجه از تعقیب، آزار و سرکوب به دلیل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی یا عقیده سیاسی خارج از کشور ملیت خویش بوده نمی‌تواند و یا بخاطر این ترس مایل به بهره‌جویی از حفاظت آن کشور نمی‌باشد و یا کسی است که ملیت نداشته و با بودن در خارج از محل زندگی سابقش در نتیجه چین و قایعی نمی‌تواند و یا بخاطر این ترس مایل نیست که به کشورش بازگردد.

(۵) بند ۲۸ مقررات ۱۹۹۴ اظهار می‌دارد:

اجازه اقامت داده شده به خارجیانی که با قصد پناهجویی از يك کشور سوم از کشور ما درخواست اقامت می‌کنند اگر پس از گذشتن زمان معقولی هنوز قادر به رفتن به کشور سوم نباشند قابل تمدید نیست. از خارجیانی که در این موقعیت قرار می‌گیرند خواسته خواهد شد که کشور ما را ترک کنند.

(۶) مراجعه کنید به کمیته‌ی ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان، World Refugee Survey، ۱۹۹۶-۱۹۹۵.

(۷) برای نقدهای موجود از مقررات پناهندگی ۱۹۹۴، مراجعه کنید به: US Committee for Refugees, *Barriers to Protection, Turkey's Asylum Regulations*, July 1996, and *World Refugee Survey - Turkey*, 1996-1997; Amnesty International, *Turkey, Refoulement of non-European refugees - a protection crisis*, September 1997, AI Index: EUR 44/31/97; Kemal Kirisci, *Is Turkey Lifting the 'Geographical limitation' - The November 1994 Regulation on Asylum in Turkey*, IJRL 8:3, 1996; Danish Refugee Council, *Safe Third Country Policies in European Countries*, Jan. 1998; and Iranian refugees' Alliance, *Preliminary Assessment of the new Turkish Government and UNHCR Refugee Processing System for non-Europeans*, May 1995.

(۸) Amnesty International, *Turkey: No Security Without Human Rights* October 1996, AI Index

Amnesty International Turkey: "Birds or Earthworms" - the Guclukonak Massacre, - Its Alleged Cover-Up and the Prosecution of Independent Investigators, June 1998, AI index EUR 44/24/98

(۱۰) نامه از مأمور حقوقی آرشد دفتر آنکارای کمیساریای عالی به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۲۴ آوریل ۱۹۹۷.

(۱۱) نامه از نماینده دفتر آنکارای کمیساریای عالی به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۳ مارس ۱۹۹۷.

(۱۲) کمیساریای عالی اول بار در سال ۱۹۹۲ به ایرانیانی که از عراق به ترکیه فراری می‌کردند جابه‌جا شونده بی‌قاعده اطلاق کرد. در آن زمان کمیساریای عالی تمام مناطق عراق را برای ایرانیان امن می‌شمرد. در نتیجه این امر، علاوه بر ایرانیانی که قبلاً در شمال عراق اقامت داشتند آنهایی که در سایر نقاط عراق هم بسر می‌بردند جابه‌جا شونده بی‌قاعده قلمداد می‌شدند. از جمله اعضای سابق سازمان مجاهدین هر چند که بوضوح در سرتاسر عراق مورد تهدید قرار داشتند. آنها در شمال عراق بخاطر حضور گسترده عوامل جمهوری اسلامی ایران و عملیات آزادانه شان علیه اعضای اپوزیسیون ایرانی در آنجا و تصادهای شدید بین سازمان مجاهدین و هر دو احزاب کرد حاکم در آن منطقه در آمان نبودند. همچنین از آنجا که از مجاهدین جدا شده بودند دولت مرکزی بغداد هم از آنها حمایت نمی‌کرد. با این وجود و علی‌رغم انتقاد از سوی سازمانهای حقوق بشر، مثل عفو بین‌الملل، کمیساریای عالی به سیاست منفی خود نسبت به ایرانیان سابقاً مقیم عراق ادامه داد تا اینکه در پایان سال ۱۹۹۴ ناگهان بدون هیچ توضیحی اختتام این سیاست اعلام شد.

(۱۳) UNHCR Resettlement Handbook، ژنو، ژوئیه ۱۹۹۷.

(۱۴) سیاست جامع کمیساریای عالی درباره پناهندگان شهری در مارس ۱۹۹۷ تدوین شد و با مشخصه‌ی

UNHCR/IOM/25/97 Corr.1-FOM 30/97/Corr.1

۲۷ مه ۱۹۹۷، توزیع گردید. پناهندگان شهری به کسانی اطلاق می‌شود که در شهرها ساکن‌اند. آنها نهایتاً دو درصد کل پناهندگان تحت مسئولیت کمیساریای عالی را تشکیل می‌دهند

در حالیکه کمک به آنها معمولاً ده تا پانزده درصد بودجه کل این سازمان را به خود اختصاص داده است. به زعم کمیساریای عالی ملیت‌هایی که بخش عمده پناهندگان شهری را تشکیل داده‌اند: افغانستان، آنگولا، اریتره، ایتوبی، غنا، ایران، عراق،

لیبریا، نیجریه، سومالییا، سری‌لانکا، سودان، کنگو(زئیر)، بوروندی، رواندا. این افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند: یکی جابه‌جا شونده بی‌قاعده، دیگری افرادی که بطور گروهی

بعنوان پناهنده شناخته شده‌اند و بالاخره کسانی که قبلاً نیز در شهرها سکنی داشتند و اگر از روستاها آمده‌اند برایشان امکان اسکان مجدد در مناطق روستایی وجود ندارد. به زعم کمیساریای عالی، هدف اصلی این سیاست تضمین حمایت و

امنیت پناهندگان و افزودن به راه حل‌ها چه بطور تکی و چه گروهی و استفاده بهتر از امکانات محدود و نایاب موجود است. با این وجود، بسیاری از سازمانهای غیردولتی،

متخصصان مسائل پناهندگی و حتی مقامات خود کمیساریای عالی با این تفاسیر موافق نیستند. این سیاست به ویژه در مورد

جابه‌جایی بی‌قاعده به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. (۱۵) انعقاد کمیته‌ی اجرایی شماره ۵۸، مسئله پناهندگان و پناهجویانی که به شیوه‌ی بی‌قاعده‌ای از کشوری که در آن حمایت و امنیت بدست آورده‌اند جابه‌جا می‌شوند، ۱۹۸۹، بند ف.

(۱۶) برای نقدهای موجود از سیاست پناهندگان شهری کمیساریای عالی مراجعه کنید به نشریه سازمان (US Committee for Refugees) کمیته‌ی ایالات متحده

آمریکا برای پناهندگان به نام Refugee Reports دوره ۱۸، شماره ۱۱، ۳۰ نوامبر ۱۹۹۷، و دوره ۱۹، شماره ۱، ۳۱ ژانویه ۱۹۹۸.

(۱۷) به نقل از نشریه کمیته‌ی ایالات متحده آمریکا برای پناهندگان Refugee Reports دوره ۱۹، شماره ۱، ۳۱ ژانویه ۱۹۹۸.

(۱۸) نامه‌ی مأمور حقوقی آرشد دفتر آنکارای کمیساریای عالی به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۳۱ ژانویه ۱۹۹۸.

(۱۹) به پانویس ۱۷ مراجعه کنید.

(۲۰) نامه‌ی مأمور حقوقی آرشد دفتر آنکارای کمیساریای عالی به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۲۴ آوریل ۱۹۹۷.

(۲۱) به پانویس ۱۳ مراجعه کنید.

(۲۲) نامه‌ی مشاور حقوقی آرشد مرکزیت ژنو کمیساریای عالی، دفتر منطقه‌ای برای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی، افریقای شمالی و خاورمیانه به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸.

(۲۳) نامه‌ی مشاور حقوقی آرشد مرکزیت ژنو کمیساریای عالی، دفتر منطقه‌ای برای آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی، افریقای شمالی و خاورمیانه به نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی، ۱۲ آوریل ۱۹۹۸.

(۲۴) گرچه کمیساریای عالی این موضوع را در ملع عام اعلام نکرده است، کمبود سهمیه‌ی اسکان دهی در ترکیه بطور مداوم در مباحثات داخلی مربوط به این موضوع ذکر شده است. بعنوان مثال، در يك سند داخلی کمیساریای عالی با عنوان نظرخواهی در مورد اسکان دهی مجدد که در میان برخی از سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی توزیع می‌شود مشخصاً درج شده است که تعداد پناهندگانی که در ترکیه نیازمند اسکان مجدد تشخیص داده شده‌اند فراتر از سهمیه‌ی موجود است.

(۲۵) نامه‌ی کمیته‌ی مهاجرت و امور پناهندگی ایتراکشن به فیلیس او کلی، کمک دبیر دولتی، وزارت امور خارجه، دفتر مربوط به نفوس، پناهندگان و مهاجرت، ۱۸ اوت ۱۹۹۷.

(۲۶) دستورالعمل اسکان مجدد کمیساریای عالی (پانویس ۱۳) می‌گوید:

جابه‌جا شونده بی‌قاعده بایستی از امکانات اسکان دهی کمیساریای عالی محروم شوند. در این باره لازم است به کشورهای اسکان دهنده متناوباً و بطور جامع آگاهی داده شود.

(۲۷) مراجعه کنید به پانویس ۷.

شهرت واقعی اکثر پناهجویانی که از آنها در این گزارش نام برده شده و برخی جزئیات که می‌تواند منجر به شناسایی آنها شود برای حفظ امنیت‌شان حذف شده‌اند. ■

گزارش مالی پایان سال ۱۹۹۷

درباره ما

همبستگی با پناهندگان ایرانی نهادی غیرانتفاعی است که تحت ماده ۱۰۳(ج) ۵۰۱ اداره مالیات داخلی ایالات متحده آمریکا ثبت شده است. ما سازمانی هستیم اجتماعی و با هدف دفاع و اشاعه حقوق انسانی و مدنی پناهندگان و پناهنجویان ایرانی چه در داخل آمریکا و چه در سطح جهانی. فعالیتهای ما در زمینه های زیر است:

۱. مستند نمودن و گزارش دهی از اوضاع جهانی پناهندگان و پناهنجویان ایرانی، بویژه در نقاطی که به شرایط آنها کمتر توجه شده و حقوق شان در آن مکانها نقض گردیده است.
۲. اشاعه و دفاع از حقوق پناهنجویان ایرانی در داخل آمریکا و در سطح جهانی.
۳. توانا تر ساختن پناهنجویان در زمینه دستیابی به موقعیت پناهندگی از طریق آشنا کردن آنها به مسائل پناهندگی و حقوق قانونی پناهندگان، ارائه اسناد و نامه های حمایتی، امکانات ترجمه، معرفی به مراجع ذی صلاح و رساندن کمک مالی به افرادی که در مصیقه قرار دارند.
۴. جلوگیری از بازگرداندن اجباری پناهندگان طبق ممنوعیت تصمیم شده در قوانین بین المللی و کمک به پناهنجویان برای اسکان در کشور آمن ثالث.
۵. حمایت از پناهندگان تازه وارد در آمریکا که مورد تبعیض و بی حقوقی قرار می گیرند، از طریق اقدامات دفاعی، ارائه اطلاعات و ارجاع به مراجع ذی صلاح، ترجمه، و اقدامات لازم برای آموزش عموم درباره مسائل پناهندگان.

تمام فعالیتهای ما متکی است بر اعانات مالی عموم و به کمک نیروهای داوطلب انجام می گیرد. ■

هزینه ها

هزینه برنامه ها

کمک های انسانی*:	۳۶,۱۳۲ دلار	۶/۷۳٪
اقدامات حمایتی و آموزشی:	۱۱,۷۹۳ دلار	۰/۲۴٪

هزینه های دیگر

اداری و عمومی:	۵۲۱ دلار	۱/۱٪
جمع آوری کمک مالی:	۶۳ دلار	۳/۱٪

کل هزینه ها: ۴۹,۰۷۶ دلار ۰/۱۰۰٪

درآمد

اعانات مالی از عموم:	۴۵,۳۱۵ دلار	۹/۹۳٪
درآمد از برنامه های خاص:	۲,۹۲۵ دلار	۱/۶٪

کل درآمد: ۴۸,۲۴۰ دلار ۰/۱۰۰٪

* کمک های نقدی توزیع شده:

صندوق حمایت از پناهندگان در خطر ایرانی در ترکیه	۲۵,۵۱۰ دلار
صندوق مالی حمایت از کودکان پناهنده ایرانی در ترکیه	۸,۸۶۰ دلار

آری، من می خواهم نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی را حمایت کنم

این کمک مالی اهدایی من است:

۲۵ دلار ۵۰ دلار ۱۰۰ دلار ۲۵۰ دلار دلار

مایلم کمک خود را بطور مداوم ادامه دهم. هر چند میدانم که این کمک اجباری نیست، سعی می کنم هر دو ماه یکبار، هر چهار ماه یکبار، هر شش ماه یکبار مبلغ زیر را ارسال کنم.

۲۵ دلار ۵۰ دلار ۱۰۰ دلار ۲۵۰ دلار دلار

مایلم در فهرست پستی نهاد همبستگی باشم.

مایلم در مورد برنامه های امداد انسانی نهاد همبستگی به پناهنجویان ایرانی در ترکیه اطلاعات دریافت کنم.

مایلم در فهرست داوطلبین همکاری با نهاد همبستگی باشم:

۱. لطفا سابقه خدمات داوطلبانه خود را بنویسید:

۲. چه مواقعی وقت آزاد است؟ (د، س، چ، پ، ج، شنبه، یکشنبه، عصرها)

۳. زبانهایی که می دانید؟

۴. لطفا زمینه های مورد علاقه خود را علامت بزنید:

- | | | |
|---|--|---|
| <input type="checkbox"/> جمع آوری اعانات مالی | <input type="checkbox"/> پست اطلاعات برای مردم | <input type="checkbox"/> تازه واردین: |
| <input type="checkbox"/> نوشتن درخواستنامه | <input type="checkbox"/> تهیه خبرنامه و مجله | <input type="checkbox"/> آموزش زبان انگلیسی |
| <input type="checkbox"/> کمک مالی از بنیادها | <input type="checkbox"/> ترجمه کتبی | <input type="checkbox"/> ترجمه شفاهی |
| <input type="checkbox"/> برنامه ریزی مراسم | <input type="checkbox"/> صفحات اینترنت | <input type="checkbox"/> کاریابی |
| <input type="checkbox"/> کارهای دفتری | <input type="checkbox"/> گردآوری اخبار | <input type="checkbox"/> راهنمایی یک به یک |

نام:

آدرس:

تلفن:

فاکس:

پست الکترونیکی:

نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی مرکز اسناد

مرکز اسناد نهاد همبستگی با پناهندگان ایرانی برای ارائه اسنادی مثل گزارشات حقوق بشر، بریده‌های جرایم، مقالات تحقیقی به پناهیجویان برای کمک به روند دادرسی پرونده پناهندگی‌شان تشکیل شده است. این مرکز همچنین دارای مجموعه‌ای از تصمیمات منتشر شده روی درخواست‌های پناهندگی ایرانیان در اروپا، ایالات متحده، کانادا، زلاند نو و استرالیا و همچنین تصمیمات تریبونال‌های بین‌المللی حقوق بشر که به این مسائل مربوط می‌شوند است.

فهرست برخی از اسناد این مرکز را می‌توانید در صفحات الکترونیکی اینترنت زیر مشاهده کنید:

<http://www.irainc.org/dcenter>

هزینه:

۲۰ دلار آمریکا برای تحقیق و گردآوری هر پرونده

۱۰ سنت آمریکا برای هر صفحه از مدارک

پناهیجویان کم درآمد و وکلایی که مجاناً برای موکل‌شان کار می‌کنند می‌توانند با درخواست کتبی اسناد را مجاناً دریافت کنند.

از صفحات اینترنت ما دیدن کنید

<http://www.irainc.org>



- About Us
- Publications
- News and Alerts
- IranRef (Documentation Center)
- Projects
- You Can Help



Iranian Refugees' Alliance, Inc.
Cooper Station P.O. Box 316 New York, NY 10276-0316 USA
phone/fax: 212. 260 7460 email: irainc@irainc.org
URL: <http://www.irainc.org>

Iranian Refugees' Alliance Inc.
Cooper Station
POBox 316
New York, NY 10276-0316

USA

Nonprofit Org.
U.S. Postage Paid
Oakland, CA
Permit No. 1528